



شنبه به جای پنجشنبه
تصویب دومین روز تعطیلی هفته



چخوف کانادا
آلیس مونرو درگذشت



سپیل در مشهد
بارش سیل آسا در خراسان رضوی



کمرها شکسته
سخنان مدیرعامل شستا



در اجاره دولت



بازتاب

سند ناصواب

پاسخ شورای عالی انقلاب فرهنگی به گزارش سازندگی

یادداشت روز

ریسک شهرت

چرا مقامات دوحه در فکر تجدیدنظر
نقش میانجیگری خود در پرونده غزه هستند؟



مهران کامروا
استاد دانشگاه جورج تاون قطر

یکی از اصول اصلی سیاست خارجی قطر، میانجیگری است و از ابتدای جنگ غزه تصمیم گرفت تا میان اسرائیل و حماس میانجیگری کند. دلیل این امر این است که قطر سعی می‌کند در چارچوب سیاست خارجی خود با تمام بازیگران منطقه‌ای رابطه داشته باشد و در این راستا به دنبال آن است تا با کمترین بازیگران دنیا خصومت داشته باشد، به عبارتی دیگر دوحه در این سال‌ها سعی کرده تا رابطه‌های مثبت حداکثری و رابطه‌های خصمانه حداقلی را در قبال بازیگران و دولت‌های منطقه‌ای داشته باشد. بر همین اساس است که می‌بینیم، دفتر سیاسی حماس در دوحه فعال است و رهبران سیاسی آن در پایتخت قطر مستقر هستند اما نباید از یاد ببریم که این موضوع به درخواست ایالات متحده انجام شده است؛ چراکه از نظر آنها حماس در قطر تحت کنترل بوده و اشراف آمریکا بر آنها هم در این کشور بالاست. لذا دو مولفه اصلی یعنی اصل میانجیگری قطر در حوزه سیاست خارجی همچنین استقرار دفتر حماس در خاک این کشور، باعث شده تا قطر خود را در جنگ غزه به عنوان یک میانجیگر موثر نشان داده و سعی دارد تا بتواند طرفین را به سمت آتش‌بس پیش ببرد و مبادله تبادل اسرای اسرائیلی را هم عملیاتی کند. قطر در یکی دو ساه اول جنگ غزه، پیشرفت‌های خوبی داشت و جامعه بین‌الملل فکر می‌کردند که این جنگ به زودی تمام می‌شود اما هیچ‌کس نمی‌دانست که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل به دنبال نابودی غزه است و همه فکر می‌کردند که با یک سری اقدامات و رایزنی‌ها می‌توان اسرای اسرائیلی را تبادل و غائله را ختم کرد اما اینگونه نشد.

در این میان برخی از مقامات قطری در مورد تجدیدنظر در قبال نقش خود به عنوان میانجی در مذاکرات آتش‌بس موضعی اتخاذ کردند که چند دلیل دارد. علت اول این است که هر کشور یا دولتی که وارد فرآیند میانجیگری در یک پرونده می‌شود، اگر تلاش آن به خروجی‌ای مثبت منتهی نشود، ممکن است که در نهایت جایگاه آن با مشکل مواجه شود یا برای آن جنبه‌های منفی داشته باشد. به عبارتی گویند، قطر نگران آن است که ریسک یا خطر شهرت یا همان Reputational risk برای دوحه بسیار گران تمام شود. در اینجا باید توجه شود که دفتر حماس در قطر به درخواست آمریکا در این کشور مستقر شد و همین مساله موجب شد تا بسیاری فکر کنند که دوحه در حال حمایت مالی از حماس است. دلیل دوم این است که مواضع زیادی علیه قطر در کنگره آمریکا اتخاذ شده و زمانی که دوحه به این نتیجه می‌رسد که این میانجیگری حاصل ندارد و اسرائیل هم با وجود اینکه حماس پیش‌نویس آتش‌بس را قبول کرده همچنان به دنبال ختم جنگ نیست و پایانی برای این درگیری‌ها وجود ندارد، اعلام می‌کند که احتمال دارد خود را از فرآیند میانجیگری کنار بکشد. بر همین اساس به وضوح می‌بینیم که در روند آخرین دور از مذاکرات آتش‌بس غزه، مصری‌ها نقش پررنگتری در قاهره داشتند که البته قطر هم در این میان فعال بود.

توجه داشته باشید که نگاه آمریکا و اسرائیل به قطر هم با یکدیگر متفاوت است. به عنوان مثال، نتانیاهو به خاطر حفظ منافع سیاسی خود، دوحه را مقصد اصلی ادامه جنگی می‌داند که خودش بر ادامه آن اصرار دارد و اینگونه وانمود کرده که چهره قطر در اسرائیل منفور است. از نظر آمریکا اما وضعیت به گونه‌ای دیگر است. واشنگتن به نوعی قطر را یک بازیگر و شریک مهم و موثر برای خود می‌داند. دوحه به دلیل ارتباط سیاسی و دیپلماتیک با جریان‌های مختلف مانند حماس، جایگاه و اهمیت امنیتی بالایی برای ایالات متحده دارد و باید به این نکته اشاره کنم که یکی از بزرگ‌ترین پایگاه‌های نظامی آمریکا در خارج از خاک این کشور در قطر مستقر است.

در این راستا، موقعیت سیاسی نتانیاهو به هیچ وجه اجازه نمی‌دهد که آتش‌بس در غزه برقرار شود؛ چراکه از نظر او اگر آتش‌بس قبول شود، حیثیت سیاسی وی پایان خواهد یافت. در این میان راست‌گرایان اسرائیل از یکسو و خانواده اسرای اسرائیلی از سوی دیگر، از نخست‌وزیر اسرائیل راضی نیستند و به نظر زمانی که جنگ در غزه به اتمام برسد، دوران نخست‌وزیری او هم به پایان خواهد رسید.

جان سوخته

راز و رمز زندگی شمس و مولانا و بررسی فیلم **مست عشق**
در گفت‌وگو با فیلم‌نامه‌نویس آن، **فرهاد توحیدی**



کلویژ نادری
دبیر گروه
سینما و تلویزیون

«مست عشق» پر فروش‌ترین فیلم این روزهای سینمای ایران است. احتمالاً به زودی تبدیل به پر فروش‌ترین فیلم این دوره از ایران می‌شود چون فروش روزانه‌اش از تمامی فیلم‌ها بیشتر است و اگر این اتفاق بیفتد، تمامی توری‌های مربوط به رکوردهای فیلم‌های کمدی و مبتذل شدن سلیقه مخاطب با چالش مواجه خواهد شد. «مست عشق» داستان یک نظامی است که به شکل تصادفی زندگی‌اش با شمس و مولانا گره می‌خورد و آنها تأثیراتی روی او می‌گذارند که باعث تحول عظیمی در او می‌شود. تماشای آن که به قصد دیدن داستان مولانا و مواجهه او با شمس به تماشای این فیلم می‌نشیند با اثری متفاوت روبه‌رو می‌شود که بخشی از آن به این دو تعلق دارد و داستان اسکندربیک اصل است. فرهاد توحیدی، یکی از فیلم‌نامه‌نویسان این فیلم می‌گوید، اسکندر نامدی از همه ماست و او را به این خاطر آفریدند که فیلم هم حرفی از امروز داشته باشد و هم اینکه ملاحظات مربوط به گیشه را مدنظر بگیرند.

ادامه در صفحه ۴

کانال سازندگی

انتخابات از دستور کار خارج نمی شود



محمد عطریانفر، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران در گفتگو با خبرنگاری دانشجوی گفت: دو انتخابات مجلس و ریاست جمهوری از اهمیت بسیاری زیادی در جمهوری اسلامی برخوردار است که در مقایسه این دو مردم نشان داده‌اند که حساسیتشان نسبت به انتخابات ریاست جمهوری بیشتر است. وی افزود: بنده از طریق فضای مجازی متوجه صحبت‌های سیدمحمد خاتمی شدم، من بر این باورم که چنین صحبت‌هایی که در محافل خصوصی می‌شود، الزاماً ملاک داوری و اعلام نظر رسمی جریان اصلاحات نیست. عطریانفر اظهار داشت: اصلاح‌طلبان تا اطلاع ثانوی همچنان نسبت به مقوله انتخابات واکنش مثبت دارند و نمی‌توانند انتخابات را از دستور کار خود حذف کنند، اگر بگویم اصلاح‌طلبان انتخابات را از دستور کار خارج می‌دانند، یعنی اصلاح‌طلبان سیاست‌ورزی را بوسیده و کنار گذاشته‌اند. معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران تأکید کرد: سوءتفاهم بسیار عمیقی بین فعالان اصلاح‌طلب با نهادهای حقوقی ناظر بر انتخابات مانند شورای نگهبان وجود دارد که باید مرتفع شود، اصلاح‌طلبان دل‌بسته به نظام‌اند و باید تلاش کنند اعتمادسازی مجددی با نهادهای قدرت نظام از جمله مقام معظم رهبری ایجاد کنند.

جریان اصلاح طلب یک تفکر است

عباس سلیمی‌نمین، تحلیلگر مسائل سیاسی بخشی از علل کاهش مشارکت را ناظر به کنش جناح‌های سیاسی و حذف جریان اصلاح طلب و کمزنگ شدن رقابت دانست. آن طور که روزنامه فرهیختگان نوشت، او می‌گوید که برخی برخلاف مخالفت رهبری، دنبال حذف اصلاح‌طلبان از انتخابات بودند که موفق به انجام آن شدند. برخی جریان‌های اصولگرا در انتخابات گذشته این گونه بیان می‌کردند که اصلاح‌طلبان را به خاطر خطاهای فاحش سیاسی‌شان کنار بگذاریم. همه یک طیف را کنار بگذاریم و رقابت را تنها در طیف اصولگرا تعریف کنیم. رهبری صراحتاً با این بحث مخالفت و تأکید کردند، جریان اصلاح طلب یک تفکر و گرایش است. هرگز نمی‌توانیم یک گرایش را از جامعه حذف کنیم. سلیمی‌نمین تصریح کرد: قبلاً جریان اصلاح طلب هم بود که در انتخابات مشارکت نکرد اما در این دوره برخی اصولگرایان هم رای ندادند که این جای تأمل دارد، یعنی عده‌ای از چرخش قدرت رضایت ندارند و آن را بسیار هزینه‌زا می‌بینند ضمن اینکه از بحث‌های رقابتی ناراضی هستند.

۱۳ عضو ناگوار آمد دولت رئیسی

محمد مهاجر، فعال سیاسی اصولگرا درباره اظهارات اخیر رئیسی در گفتگو با مردم درباره اطلاع از سفره آنان و اینکه اگر این آگاهی منجر به بهبود معیشت جامعه نشود به چه دردی می‌خورد، گفت: اطلاع داشتن آقای رئیسی به معنی هم حس بودن نیست، بالاخره وقتی شما حداقل دستمزد کارگران حداقل با اضافه کار و ... را می‌دانید، قطعاً سید هزینه‌های کارگر آنقدر بالاست که به خصوص در شهرهای بزرگ، این درآمدها نمی‌تواند هزینه‌های کارگر را پوشش دهد. او به اینا تأکید کرد که آقای رئیسی روزی که مراسم تحلیف بود خودشان گفتند که تورم ۴۰ درصدی را تحویل می‌گیریم حالا این ۶۰ درصد غلط است و این ۳۰ درصدی هم که می‌گویند، غلط است. دولت آمده سال پایه را عوض کرده و آن را از سال ۹۵ به سال ۹۹ قرار داده است. ایشان اگر بخواهند افراد ناگوار آمد را عوض کنند لاقول باید ۱۲ عضو کابینه را عوض می‌کردند هر وقت ایشان ۱۲ عضو کابینه را حداقل عوض کردند، می‌شود امیدوار بود حرفشان درست است.

حماسه تمام دوران‌ها

احمد وحیدی، وزیر کشور: برخی سعی کردند لفظ «حماسه مردم در انتخابات» را به مرحله دوم محدود کنند؛ این مطلب مربوط به تمام دوره انتخابات بود. او ادامه داد: اگر انصاف دارند بیایند درباره اهمیت انتخابات و برگزاری انتخابات در بهترین سطح سلامت و امنیت و ابتکارات این انتخابات صحبت کنند. کسانی که صحبت می‌کنند، سعی کنند منصفانه حرف بزنند و سعی نکنند مطلبی را آن جور که دوست دارند تغییر جهت دهند.

ادعای جدید دیش

علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت: از شهریور ۱۴۰۱ نهادهای نظارتی درون قوه مجریه با گزارش‌های داخلی، برخی فسادها و تخلفات مربوط به پرونده موسوم به جای دیش را دریافت کرده و از همان لحظه با همکاری با وزارت اطلاعات و وزرای وقت صمت و وزیر جهاد کشاورزی، اقدامات لازم برای شناسایی اموال برای جلوگیری از خارج کردن برخی اموال و افراد و شناسایی شرکت‌های صوری انجام شد.

روحانی غافلگیر نشد

محمود واعظی: ردصلاحیت موضوعی نبود که آقای روحانی غافلگیر شود. ایشان با دوستان‌شان برای ثبت‌نام مشورت کردند و تقریباً اکثر اعضای جلسه گفتند که شورای نگهبان به همان دلایلی که مرحوم هاشمی‌رفسنجانی، آقای دکتر لاریجانی و آقای جهانگیری را ردصلاحیت کرد احتمال می‌رود با شما نیز همانگونه برخورد شود. بحث علمی و تخصصی هم مطرح نیست و بحث سیاسی است.

شنبه به جای پنج‌شنبه

مجلسی‌ها سرانجام روز گذشته به تعطیلی شنبه‌ها در کشور رای مثبت دادند

گروه سیاسی: بهارستانی‌ها در آخرین روزهای حضورشان در مجلس یازدهم و در غیاب محمدباقر قالیباف، رئیس پارلمان بالاخره پس از مدت‌ها بحث بر سر ۲ روز تعطیلی آخر هفته به تعطیلی شنبه‌ها در صحن علنی رای مثبت دادند. حال باید منتظر ماند و دید که تا ۱۰ روز آینده آیا شورای نگهبان با تأیید آن، شنبه‌ها را برای اولین بار در جمهوری اسلامی تعطیل رسمی خواهد کرد یا خیر؟

تصمیم‌گیری در جایگزین کردن تعطیلی شنبه به جای پنج‌شنبه‌ها یک تصمیم مهم جهانی برای ایران است ضمن اینکه با توجه به وضعیت دشوار اقتصادی کشور باید کاری برای تحول انجام داد که این بار مجلس به آن عمل کرد. زیرا ما جزو اندک کشورهایی هستیم که بنا به تعطیلی روزهای شنبه در دنیا عملاً از لحاظ اقتصادی این روز را بلااستفاده گذاشته بودیم. بنابراین طبق گزارش کمیسیون اجتماعی درباره لایحه اصلاح ماده ۸۷ قانون مدیریت خدمات کشوری که مربوط به تغییر تعطیلی پنج‌شنبه‌ها به شنبه است در دستور کار قرار گرفت و نمایندگان با تعطیلی شنبه‌ها طبق مصوبه کمیسیون اجتماعی موافقت کردند.

در همین راستا ولی اسماعیلی، رئیس کمیسیون اجتماعی با اشاره به استفتا از دفاتر ۳ مرجع تقلید همچون رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره تعطیلی شنبه‌ها، گفت: هر سه مرجع تقلید همچنین دفتر رهبر انقلاب با تعطیلی شنبه‌ها مشکلی نداشتند. این مسأله به معنای آن است که این مصوبه از نظر شرعی مشکل ندارد. از این رو انتظار این است که شورای نگهبان نسبت به این مصوبه، نه از نظر قانونی و نه از نظر شرعی ایرادی وارد نکند. وی تأکید کرد: اگر شورای نگهبان طی ۱۰ روز آینده این مصوبه را تأیید کند و رئیس مجلس ابلاغ کند، تعطیلی شنبه‌ها از اواخر خرداد امسال باید اجرایی شود. این درحالی است که روز گذشته نیز اکتان منتسب به آیت‌الله جوادی‌آملی پاسخ ایشان به سوال نمایندگان مجلس درباره تعطیلی روز شنبه نوشت: «از آنجا که تعطیلی روز شنبه هماهنگ شدن با بازار و دادوستدهای اقتصادی جهانی است و موثر در حل برخی از مشکلات اقتصادی و مهار تورم است و قصد تشبه به مخالفین نیست بلکه تعامل است لذا تعطیلی روز شنبه علاوه بر روز جمعه، مانعی ندارد».

پس از آنکه نمایندگان مجلس ضمن استماع نظر موافقان و مخالفان پیرامون تعطیلی پنج‌شنبه با پیشنهاد تعطیلی پنج‌شنبه‌ها مخالفت کردند و براساس تصمیم اتخاذ شده و در صورت تأیید شورای نگهبان، روزهای تعطیل ایران به جمعه و شنبه منتقل خواهد شد، درباره تعطیلات جمعه و شنبه، میرتاج‌الدینی پیشنهاد تعطیلی پنج‌شنبه و جمعه را مطرح کرد که پس از نظر موافقان و مخالفان، این پیشنهاد با ۷۵ موافق، ۱۳۲ مخالف و ۵ رای ممتنع از مجموع ۲۱۷ رد شد.

پیش از رای‌گیری محمدرضا میرتاج‌الدینی، نماینده مردم تبریز پیشنهاد پابرجا ماندن تعطیلی پنج‌شنبه‌ها را مطرح کرد و گفت: نیمه‌تعطیل بودن پنج‌شنبه در کشور ما نهادینه شده و قرار نیست با یک لایحه، تعطیلی پنج‌شنبه را حذف کنیم و قطعاً تعطیلی و نیمه‌تعطیلی پنج‌شنبه باقی خواهد ماند و اگر شنبه هم به تعطیلات اضافه شود، سه روز در هفته تعطیل است و عملاً کشور از فعالیت برای مسائل مختلف اقتصادی خارج می‌شود.

محسن بیهادی، نماینده تهران هم در مخالفت با پیشنهاد میرتاج‌الدینی اعلام کرد: اگر پنج‌شنبه تعطیل شود فقط ۴ روز بین ایران اسلامی با سایر کشورها مرادوات تجاری خواهیم داشت. از طرفی ۳۶ تشکل اقتصادی مجلس



درخواست دادند که تعطیلی پنج‌شنبه به شنبه منتقل شود و افرادی که مخالف این موضوع هستند، اقتصادی نیستند اما علی‌اکبر علیزاده، نماینده اصولگرای پارلمان با پیشنهاد میرتاج‌الدینی موافق بود. او دلیل موافقتش را این طور عنوان کرد که برخی از جریان رسانه‌ای دنبال این موضوع هستند و اگر به فکر دین مردم هستیم، پنج‌شنبه‌ها باید تعطیل شود؛ در غیر این صورت نمایندگان مجلس هر کاری که دوست دارند، انجام می‌دهند. تعطیلی شنبه هیچ ارتزاقی برای کشور ایجاد نخواهد کرد. در ادامه عباس گودرزی دیگر نماینده اصولگرا در تذکری آیین‌نامه‌ای گفت: همکار ما در مجلس به سایر نمایندگان توهین کردند. درحالی که ما به ثبت رسوم ملت متمدن ایران اسلامی باید بهسا بدهیم. از طرفی طبق نظرسنجی مرکز پژوهش‌های مجلس اکثر مردم موافق این تغییر هستند. محمدرضا پورابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس برآیند این تصمیم را اقتدار نظام جمهوری اسلامی دانست و تأکید کرد: از سال ۲۰۰۸ بیشتر حوزه‌های خلیج فارس و حتی افغانستان، تعطیلی روزهای هفته خود را از پنج‌شنبه به شنبه تغییر دادند. همچنین سهم اقتصاد ایران در جهان فقط ۴/۰ درصد است و نباید اجازه دهیم، اقتصاد کشور بیش از این آسیب ببیند.

در ادامه محمدرضا میرتاج‌الدینی پیشنهاد داد: طبق لایحه دولت مبنی بر اینکه همان ۵ روز کاری که دولت در لایحه در نظر گرفته، مصوب شود و ۲ روز تعطیلی به انتخاب دولت گذاشته شود را مطرح کرد. سیدکریم حسینی، نماینده اهواز در مجلس در مخالفت با این پیشنهاد اظهار کرد: نظر کارشناسان اقتصادی بر نظر سایرین مقدم است و کمیسیون اقتصادی در نشست با همه فعالان اقتصادی شنبه را برای تعطیلی در نظر گرفتند و نظر برخی از همکاران که باید پنج‌شنبه به دلیل مسائل دینی تعطیل شود، مردود است. وی افزود: از آنجا که مشکلی اصلی کشور مسائل اقتصادی است باید به نظر کارشناسان احترام گذاشته شود تا در رشد و بهبود شرایط اقتصادی کشور اثرگذار شویم.

محسن زنگنه در موافقت با این پیشنهاد اظهار کرد: در مورد اقتصاد باید به این موضوع توجه شود که حتی یک شرکت وجود ندارد که با غرب یا اروپا به صورت مستقیم ارتباط اقتصادی انجام دهد و ارتباط آنها از طریق دفاتر آنها در دبی و عمان انجام می‌شود. از طرفی گمرکات و بنادر در کشور شبانه‌روزی هستند و کل مرادوات کشور با غرب حدود ۸ ساعت تقبیل می‌یابد.

طبق تبصره‌های یاد شده همچنین کارمندان می‌توانند با موافقت دستگاه اجرایی ساعات کار خود را تا یک چهارم ساعت کار روزانه (حداکثر ۱۱ ساعت) تقبیل دهند. دستگاه‌های اجرایی می‌توانند در موارد خاص با موافقت هیات وزیران و رعایت سقف ساعات کار با توجه به شرایط جغرافیایی و منطقه‌ای و فصلی ساعات کار خود را به ترتیب دیگری تنظیم کنند. لذا بر همین اساس تمامی دستگاه‌های اجرایی استانی موظفند ساعات کار خود را در ۶ روز هفته تنظیم کنند.

دیدگاه: گزارش خارجی

مذاکره در پکن

پوتین در سفر به چین در مورد اوکراین با «شی» صحبت می کند

ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه از ۱۶ تا ۱۷ مه (۲۷ و ۲۸ اردیبهشت) به دعوت شی جین پینگ، رئیس جمهور چین به عنوان اولین سفر خارجی خود در دوره جدید تصدی پست ریاست جمهوری به این کشور سفر می کند و در جریان سفر خود به چین با لی جیانگ، نخست وزیر شورای دولتی جمهوری خلق چین برای گفت و گو درباره همکاری ها در زمینه های اقتصادی و بشردوستانه نیز دیدار خواهد کرد.

در همین راستا، پوتین در مصاحبه ای با خبرگزاری «شینهوآ» که روز چهارشنبه منتشر شد با تمجید از تلاش های مسکو و پکن برای ایجاد «نظم جهانی عادلانه و چندقطبی» در حالی که رهبران غربی تلاش می کنند که سلطه جهانی را با بی توجهی به منافع حاکمیتی دیگر کشورها حفظ کنند، زمینه را برای سفر دولتی خود به چین فراهم کرده است. پوتین گفت او و شی جین پینگ، رئیس جمهور چین با تکیه بر «اصول برابری و اعتماد» همچنین احترام متقابل برای منافع ملت های مستقل به قوی ترین روابط تاریخ روسیه و چین دست یافته اند. او این رویکرد را با نگرش غربی ها نسبت به سایر کشورها مقایسه کرد. پوتین گفت: «زمین مهد بشریت، خانه مشترک ماست و همه ما به عنوان ساکنان آن برابر هستیم. من متقاعد شده ام که این دیدگاه در میان اکثر مردم روی کره زمین مشترک است».

با این حال، او افزود: «خواص غربی تحت رهبری ایالات متحده از احترام به تنوع تمدنی و فرهنگی خودداری می کنند و ارزش های سنتی دیرینه را رد می کنند و این حق را غصب کرده اند که به دیگر ملت ها بگویند با چه کسانی دوست شوند یا نباید با آنها همکاری کنند».

در این راستا، مناقشه اوکراین درحال حاضر یکی از مهم ترین موضوعات در دستور کار است و پوتین خاطر نشان کرد که از ابتدای بحران، چین برای یافتن راه حل دیپلماتیک تلاش کرده است. رئیس جمهور روسیه به خبرگزاری دولتی شینهوآ گفت، نه اوکراین و نه حامیان غربی آن برای یک گفت و گو برابر، صادقانه و باز مبتنی بر احترام متقابل و در نظر گرفتن منافع یکدیگر آماده نبودند.

پوتین گفت حتی زمانی که غرب تلاش کرد، اقتصاد روسیه را با تحریم ها نابود کند، تجارت میان روسیه و چین به حدود ۲۲۸ میلیارد دلار افزایش یافت که بیش از دو برابر حجم سال ۲۰۱۹ بود و با توجه به آشفتنی جهانی و مسائل اقتصادی در غرب چنین نتایجی بار دیگر حکمت استراتژیک مسیر حاکمیتی و پیگیری منافع ملی ما را ثابت می کند. در این راستا پکن به طور مداوم از سرزنش روسیه به خاطر جنگ در اوکراین امتناع کرده و استدلال می کند که گسترش ناتو و «ذهنیت جنگ سرد» واشنگتن دلایل اصلی این رویارویی است. رئیس جمهور روسیه گفت که از طرح چین برای حل و فصل مسالمت آمیز بحران اوکراین حمایت می کند و گفت که پکن درک کاملی از آنچه در پس بحران نهفته است، دارد. به گفته او، روسیه همچنان برای گفت و گو و مذاکره برای حل این مناقشه با گذشت بیش از دو سال آماده است. پوتین گفت، طرح چین و «اصول» دیگری که ماه گذشته توسط شی جین پینگ علنی شد، عواملی را در پشت این درگیری در نظر گرفت.

پوتین همچنین اعلام کرد که نظر روسیه در ارزیابی از رویکرد چین برای حل بحران اوکراین مثبت است. در پکن، آنها واقعاً علت اصلی و معنای ژئوپلیتیک جهانی آن را درک می کنند. اصول دیگری که توسط شی در گفت و گو با اولاف شولتس، صدراعظم آلمان مطرح شد، گام های واقع بینانه و سازنده ای بود که ایده ضرورت غلبه بر ذهنیت جنگ سرد را توسعه داد.

این در حالی است که پکن بیش از یک سال پیش یک طرح ۱۲ ماده ای ارائه کرد که اصول کلی برای پایان دادن به جنگ اوکراین را بیان می کرد اما وارد جزئیات نمی شد.

منبع: شینهوآ



اخراج سفیر آمریکا از بغداد

حسن سالم، نماینده فراکسیون «الصادقون» در پارلمان عراق فاش کرد که از بیش از ۶۰ نماینده پارلمان مشغول جمع آوری امضا هستند تا از وزارت خارجه بخواهند تا «الینا رومانوسکی» سفیر آمریکا در عراق را به دلیل مداخلاتش در امور داخلی عراق جایگزین کند. به گفته این نماینده پارلمان عراق، مداخله های رومانوسکی از عرف دیپلماتیک فراتر رفته و به مداخله در ارزش ها و عرف جامعه عراق رسیده است.



ترور فیتسو

رابرت فیتسو، نخست وزیر اسلواکی پس از خروج از نشست با حضور اعضای دولت مسود اصابت گلوله قرار گرفت و به بیمارستان منتقل شد. روزنامه محلی پرودا در این باره گفت فیتسو پس از یک جلسه دولتی مجروح شد. ضارب چندین گلوله شلیک کرد و در نهایت توسط پلیس بازداشت شد. گفته می شود وقتی نخست وزیر اسلواکی در انتظار عمومی ظاهر شد، صدای شلیک چندین گلوله به گوش رسید.



کودتا علیه اردوغان؟

رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه پس از هشدار دولت باغجلی، رهبر حزب جنبش ملی گرا در مورد تدارک کودتای احتمالی، نشست اضطراری با رؤسای اطلاعات و وزارت دادگستری برگزار کرده است. سازمان های اجرایی اخراج چندین افسر پلیس در اداره امنیت آنساکارا به اتهام ارتباط با سازمان «آیهان بورا کاپلان» نگرانی های گسترده ای را ایجاد کرده است.

آخرین تلاش واشنگتن؟

مشاور امنیت ملی آمریکا در بحبوحه جنگ در رفح برای عادی سازی روابط اسرائیل و عربستان عازم منطقه می شود



وضعیت پرورنده غزه و در بطن آن رفح به جایی رسیده که حالا از گوشه و کنار هشدارهای متعدد در باب هر گونه تحرک نظامی گسترده ارتش اسرائیل به گوش می رسد. در این خصوص روز چهارشنبه جوزف بول، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با صدور بیانیهای شدیدالحن خواستار توقف فوری عملیات نظامی اسرائیل در رفح شد و به سران اسرائیل هشدار داد که حمله به منطقه ای که بیش از یک میلیون آواره فلسطینی در آن پناه گرفته اند، فشار زیادی بر روابط دو طرف وارد می کند. بول در این بیانیه که یک نسخه آن در تارنمای اتحادیه اروپا منتشر شد، اعلام می کند که این عملیات توزیع کمک های بشردوستانه در غزه را بیشتر مختل می کند و به آوارگی عمیق تر، قرار گرفتن در معرض قطعی و رنج انسانی منجر خواهد شد. وی به این موضوع اشاره می کند که بیش از یک میلیون غیرنظامی در رفح و اطراف آن پناه گرفته اند و به آنها گفته شده به مناطقی که به گفته سازمان ملل نمی تواند امن تلقی شوند، کوچ کنند. در حالی که اتحادیه اروپا، حق اسرائیل برای دفاع از خود را به رسمیت می شناسد اما باید این کار را در راستای قوانین بین المللی بشردوستانه انجام دهد و امنیت غیرنظامیان را تامین کند. در ادامه این بیانیه آمده است که اتحادیه اروپا از اسرائیل می خواهد از تشدید بیشتر اوضاع وخیم انسانی در غزه خودداری و گذرگاه رفح را باز کند و اگر اسرائیل به عملیات نظامی خود در رفح ادامه دهد به ناچار فشار زیادی بر روابط اتحادیه اروپا با اسرائیل وارد خواهد کرد.

به موازات این مواضع اتحادیه اروپا، لوییس واتریج، سخنگوی آژانس امداد و کار سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک (آنرو) که خود در رفح به سر می برد، روز چهارشنبه در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس (تویتر سابق) اعلام کرد که خانواده های فلسطینی در جنوب رفح تا حد ممکن به سمت غرب این شهر حرکت کرده اند. او وضعیت شهر رفح را مانند شهر ارواح توصیف کرد و گفت «دشوار می توان باور کرد که بیش از یک میلیون نفر تا همین هفته پیش در این شهر پناه گرفته بودند اما امروز با گلوله باران نیروی دریایی اسرائیل از خواب بیدار شدیم!» در این رابطه روزنامه گاردین نوشت که بعد از هشدار اسرائیل درباره تخلیه مناطق غرب و مرکز رفح قبل از حملاتی که به نظر می رسد، آغازگر دور جدید جنگی خونین است بین ۳۶۰ تا ۵۰۰ هزار خانواده فلسطینی در هفته گذشته از رفح فرار کردند. همچنین در شمال رفح، نظامیان ارتش اسرائیل عملیاتی را در روزهای گذشته انجام دادند و گزارش هایی درباره نبردهای شدید در چندین هفته در این منطقه منتشر شده که نشان می دهد این درگیری ها منجر به کوچ اجباری ۱۰۰ هزار نفر دیگر شده است. در این راستا استافان دوچاریک، سخنگوی دبیرکل سازمان ملل متحد هم به خبرنگاران گفت که دبیرکل سازمان ملل از تشدید فعالیت های نظامی در رفح و اطراف آن توسط نیروهای دفاعی اسرائیل وحشت زده است.

در این راستا اما برخی از کارشناسان مسائل امنیتی و نظامی با تحلیل داده های میدانی به این خروجی رسیده اند که ارتش اسرائیل از چندین پیش عملیات خود را به صورت هدفمند شروع کرده و هدف از این روند چیزی نیست جز تشکیل یک منطقه



است که به راه حل دو دولتی برای دو طرف فلسطینی و اسرائیلی منجر می شود را به «بنیامین نتانیاو»، نخست وزیر اسرائیل ارائه کند. طبق گزارش آکسیوس در صورتی که نتانیاو با توافق های مورد نظر و بندهای آن موافقت کند، می تواند یک توافق صلح تاریخی با عربستان رقم بخورد اما اگر مخالفت کند، حمایت آمریکا را از دست می دهد و پیامدهای عملیات رفح را به تهبایی متحمل می شود. سفر سالیوان درحالی انجام می شود که آمریکا به اعمال فشار بر اسرائیل برای به تأخیر انداختن پورش زمینی نظامی به رفح ادامه می دهد و نکته مهم این است که مسئولان آمریکایی و اسرائیلی قرار است با یکدیگر به صورت کلی درباره رفح گفت و گو کنند.

در این راستا کارین ژانپیر، سخنگوی کاخ سفید در این رابطه اعلام کرد که قطعاً به مذاکرات با کابینه اسرائیل ادامه خواهیم داد چرا که این مذاکرات ادامه داشته و از نظر ما سازنده خواهند بود. وزارت خارجه آمریکا هم اعلام کرد که در راستای رسیدن به توافقی درخصوص غزه تلاش می کند و آن را بهترین راه برای آزاد کردن اسرا و امتناع از عملیات نظامی گسترده در رفح می داند. همچنین این وزارتخانه تأکید کرد که اگر اسرائیل طرح سیاسی برای آینده غزه نداشته باشد، خود را در گرداب خشونت غرق خواهد کرد. شبکه خبری سی ان ان هم به نقل از برخی مسئولان کاخ سفید اعلام کرد که واشنگتن تلاش می کند در اسرع وقت به یک توافق آتش بس در غزه پیش از اقدام نتانیاو به آغاز حمله به رفح برسد. این شبکه خبری به نقل از دو تن از مسئولان ارشد دولت آمریکا اعلام کرد که دولت بایدن بر این باور است که اسرائیل برای آغاز حمله گسترده طی روزهای آینده به شهر رفح به اندازه کافی نیرو در اطراف این شهر جمع کرده است.

اگر این مولفه ها را در کنار یکدیگر قرار دهیم به خوبی می فهمیم که از یک سو اروپایی ها بر محور اعمال فشار سیاسی و بشردوستانه پرورنده غزه معطوف شده اند و از سوی دیگر ایالات متحده هم به هر ترتیب به این سمت وسو رفته که با فشار سیاسی و دیپلماتیک بتواند اولاً از فرصت فعلی استفاده کرده و روابط ریاض و تل آویو را رسمی و عادی کند و دوماً به اسرائیل بفهماند که تنها راه حل فعلی برای آرام شدن این وضعیت، اجرای طرح دو کشوری است. حال باید دید که این آخرین تلاش واشنگتن خواهد بود و به نتیجه می رسد یا خیر!

حائل در امتداد مرزهای شرقی و شمالی با نوار غزه تا به زعم خود بتواند از شهرک های غلاف غزه به ویژه پس از حمله هفتم اکتبر حفاظت بیشتری کند. همچنین به نظر می رسد که ارتش اسرائیل علاوه بر ساخت منطقه حائل قصد دارد، مناطق و گذرگاه های نظامی ایجاد کند که می تواند به عنوان پایگاهی آغازین برای انجام فعالیت های امنیتی در داخل نوار غزه پس از سومین مرحله و فاز نهایی باشد که برای دستیابی به این هدف باید دهها هزار خانه و ۱۶ درصد از مساحت نوار غزه تخریب و مسطح شود. به همین دلیل ارتش اسرائیل آرام آرام عملیات نظامی خود را برای رسیدن به مناطق مرکزی و غربی رفح گسترش می دهد تا مناطق جنوب در مجاورت با مرز مصر که محور فیلادلفیا در آن قرار دارد را دور بزند. بر همین اساس به نظر می رسد که ارتش اسرائیل مرحله سوم جنگ را در نظر دارد که آن هم تثبیت محور فیلادلفیاست.

سالیوان در منطقه

در کنار این روند میدانی شاهد تحرکات دیپلماتیک و سیاسی هستیم که مرکزیت آن با ایالات متحده است و نشان می دهد که آنها هم در این راستا به دنبال آن هستند که نوعی از خنثی سازی بحران با درون مایه تامین منافع حداکثری واشنگتن را پیش ببرند. بر همین اساس آکسیوس چهارشنبه به نقل از سه تن از مسئولان آمریکایی و اسرائیلی که نام آنها را فاش نکرد، اعلام کرد که جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی آمریکا قصد دارد سفری به عربستان سعودی سپس اسرائیل داشته باشد. یکی از مسئولان ارشد آمریکایی در این راستا اعلام کرده که دولت جو بایدن با کابینه اسرائیل به توافق رسید که هر گونه عملیاتی در رفح تا پیش از سفر سالیوان به شکل گسترده ای توسعه پیدا نکند که این موضوع را باید ایجاد یک مانع سیاسی بر سر راه یک روند نظامی دانست. به گفته این مقام آمریکایی کاخ سفید امیدوار است که بتواند این تعهد را تا زمان برگزاری یک نشست عالی رتبه میان دو گروه آمریکایی و اسرائیلی در واشنگتن پس از سفر آبی سالیوان تمدید کند. این منابع اظهار کردند که سفر سالیوان به منزله تلاش برای حصول پیشرفتی در مسیر دستیابی به یک قرارداد بزرگ میان آمریکا و عربستان شامل عادی سازی روابط میان ریاض و تل آویو هم خواهد بود و واشنگتن امیدوار است که به توافق های دو جانبه ای با طرف عربستانی برسد سپس این توافق ها که شامل توقف جنگ در غزه و پایبندی به روندی



گزارش: سینمای جهان

آغاز کن با پس‌زمینه انفجاری

افتتاحیه جشنواره کن همراه با اعتراض کارمندان و بحران می‌تو برگزار شد



هفتادوهفتمین دوره جشنواره فیلم کن عصر دیروز با تجمع ابرهای تاریک بر فراز کاخ جشنواره، کار خود را شروع کرد. با نهم ملایم باران، لیلی گلاستون، گرنا گرویک، عمر سی، جین فوندا، ژولیت بینوش و ستاره‌های دیگر زرق‌وبرق را به فرش قرمز جشنواره آوردند. این آسمان تاریک و گرفته به نوعی بازتاب‌دهنده وضعیت ذهنی تجارت فیلم در مشهورترین جشن سینماست که مارتن ۱۱ روزه خود را با مباحث مناقشه‌برانگیز آغاز کرده بود. اگر از استودیوهای هالیوود که هنوز از اعتصاب انجمن‌های بازیگران و نویسندگان سال پیش که بیشتر تولید سال را زمین زد و پس‌لرزه‌های ناشی از کووید که گیسه را تهی کرده یاد کنیم، نمی‌توان نادیده گرفت که سرویس‌های پخش هم بسیاری از این شرکت‌ها در طول همه‌گیری راه‌اندازی کردند، توانسته‌اند سود قابل توجهی به دست آورند و همه اینها موجی از کاهش هزینه‌ها و صرفه‌جویی را به همراه داشته که با روحیه آزاد جشنواره کن همخوانی ندارد. پیش از مراسم هم اعتراض کارمندان جشنواره نزدیک فرش قرمز کاخ برگزار شد و پیش از اینکه پلیس این تجمع را پراکنده کند با تظاهرات خود یادآوری کردند که انتظار دستمزد بیشتری دارند.

خبرگزاری مهر به نقل از ددلاین هم یادآوری کرده که این دوره جشنواره کن با پس‌زمینه بالقوه انفجاری از جنبش «می‌تو» فرانسه که از زیان جودیت گودرش، بازیگر و فیلم‌ساز درباره آزار جنسی روایت می‌شود، برگزار خواهد شد. هر چند این موضوع به شب افتتاحیه راه نیافت اما کامیل کوتین مجری برنامه در مونولوگی که تجربه تماشاگران جشنواره در «دنیای موازی» کن را تصور می‌کرد به جریان‌های پنهان امسال اشاره کرد و گفت: جلسات حرفه‌ای با مردان قدرتمند دیگر بخشی از عادات و آداب‌وسوم کن پس از پذیرش «می‌تو» نیست و ما از آن تجلیل می‌کنیم. فیلم‌های جدید کارگردان‌های مولف هم در جشنواره امسال جای دارند و چهره‌هایی مانند پل شریدر با «اوه، کانادا»، دیوید کرانبرگ با «کن‌ها»، فرانسس فورد کاپولا با «مگالوپولیس» و آندریا آرنولد با «پرنده» به جشنواره می‌آیند. این درحالی است که بخش عمده‌ای از این فیلم‌ها خارج از سیستم سنتی استودیوهای هالیوودی تامین مالی شده‌اند و کاپولا فیلم خودش را با ۱۲۰ میلیون دلاری که از فروش سهام یک تجارت خانوادگی به دست آورد، تامین کرد.

جشنواره کن امسال با فیلم افتتاحیه «پرده دوم» که یک کمندی با بازی لنا سیدو و لویی گارل است، شروع به کار کرد اما چهره اصلی شب افتتاحیه بدون شک مریل استریپ بود که برای دریافت نخل طلای افتخاری حاضر شد و با ضرب‌آهنگ تپنده «ماما میا!» از پله‌های کاخ جشنواره بالا رفت. وی در این مراسم از قول ماسدرش گفت: عزیزم، خواهی دید که همه چیز چقدر سریع جلو می‌رود.

قبل از نمایش «پرده دوم» کن هیات داوران خود را روی صحنه آورد که شامل عمر سی، لیلی گلاستون، نادین لبکی، ابرو جیلان، هیروکازو کورنیدا، جی. ای. بایونا به ریاست گرنا گرویک بودند. سازنده «باربی» در این مراسم در سخنان کوتاهی جشنواره را عبادتگاه عاشقان سینما خواند.

گرویک گفت: من عاشق سینما هستم و برام هنر چیز مقدسی است.

هرچند حال‌وهوای درونی آرام بود اما انتظار می‌رود، جشنواره کن امسال از نظر سیاسی شلوغ باشد و اعتراض‌های حمایت از غزه مثل جشنواره‌های دیگر به کن هم برسد. به همین دلیل هرچند تظاهرات در امتداد و اطراف جشنواره ممنوع اعلام شده اما با توجه به شدت تظاهراتی که در واکنش به کشتار مردم در غزه درحال انجام است، برگزاری جشن فیلم بدون نادیده گرفتن جنگ اسرائیل و حماس ممکن نخواهد بود.

آگهی اصلاحیه

پیرو آگهی چاپ شده درصفحه هروزنامه سازندگی مورخ سه شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۳ به شماره روزنامه ۱۶۹۵ آگهی پذیره نویسی شرکت توسعه اقتصاد دیجیتال اشراق سهامی عام درشرف تأسیس در بند شماره ۱۲ میزان تعهد و پرداخت موسسان میزان درصد به اشتباه ۵۶۲۵/۷۳ درصد چاپ شده که ۷۳/۵۶۲۵ درصد صحیح میباید که بدینوسیله اصلاح میگردد.

کافه

تازه‌های ادبیات و هنر

ادامه تیتریک

جان سوخته

این اثر ترکیبی از وقایع مستند و داستان‌هایی است که نویسندگان آن آفریدند. مینی سریال «مست عشق» هم ساخته شده که توحیدی می‌گوید در آن به شمس و مولانا بیشتر پرداخته می‌شود. فعلاً که همین داستان هم مقبول تماشاگر قرار گرفته و از آن استقبال کردند. هر چند که مولانا و شمس در حاشیه قرار دارند و اسکندر قهرمان «مست عشق» است.

چه سالی پیشنهاد ساخت فیلم را گرفتید؟

سال ۹۷ بود که آقای برومند، (تهیه‌کننده فیلم) پیشنهاد کردند که سریالی را با داستان روز در ترکیه با یک قهرمان ایرانی و یک قهرمان ترک بسازیم و بعد به سراغ شمس و مولانا برویم. وقتی با آقای فتحی به ترکیه رفتیم به این نتیجه رسیدیم که چرا اول کار دیگری انجام دهیم چون اشتیاق برای ساخت شمس و مولانا هم در آنجا زیاد بود. این بود که از اصل قضیه شروع کردیم. آقای فتحی هم خیلی دوست داشت که اولویت را به کار شمس و مولانا بدهیم.

از ابتدا شما وارد پروژه شدید یا آقای فتحی؟

من ابتدا وارد شدم و بعد از آقای فتحی خواهش کردم که افتخار همکاری بدهند. من ۱۵ سال پیش طرحی دربارۀ مولانا برای تلویزیون نوشته بودم. در آن زمان آقای سرفراز در معاونت برون‌مرزی می‌خواستند سریالی درباره مولانا بسازند. یکی دو جلسه رفتم اما از ابتدا مشکوک بودم که با مدیران تلویزیون اشتراک دیدگاه دارم یا نه و بعد به این نتیجه رسیدم که این کار را نکنم، بهتر است. اما دغدغه‌اش همیشه با من بود. چون مولانا را دوست داشتم و درباره او، حافظ و شاهنامه هم کار کرده بودم. درباره شاهنامه فیلمنامه «ترازوی ایرج» را نوشته بودم و همیشه دوست داشتم که درباره زندگی یا آثار این بزرگان کار کنم. آقای فتحی هم علاقه‌مند بودند و روی موضوعات تاریخی ازجمله ملادرا هم کار کرده بودند. پس از پایان فصل سوم شهرزاد بود که در منزل خانم اسکندرفر، ایشان را دیدم و گفتم حسن آقا چنین ماجرای هست و بیا. آقای برومند هم دوست داشتند که در این باره کار کنیم. در نتیجه وقتی دیدیم چنین چشم‌اندازی وجود دارد چه بهتر که از همان اول این کار را محقق کنیم و در ترکیه هم از این پیشنهاد استقبال زیادی شد.

در ترکیه با چه کسانی از ابتدا شروع به همکاری کردید؟

با بخش خصوصی وارد مذاکره شدیم. با شرکی که خانم آدا سورملی، رئیس‌اش بود که با بسیاری از سینماگران ایرانی کار کرده و تهیه‌کننده و مجری طرح آنها بوده است. ۵-۶ ماه با خانم سورملی همکاری کردم و سفرهای زیادی به شهرهای مختلف رفتم. ایشان از ارادتمندان به شمس و مولانا بودند اما وقتی ابعاد پروژه مشخص شد، فهمیدند که نمی‌توانند این کار را انجام دهند. باید سرمایه بیشتری می‌داشتیم که در نهایت با خانواده اوزال به عنوان سرمایه‌گذار آشنا شدیم. در سفر دوم در سال ۹۷ به طرحی ۱۰ صفحه‌ای رسیدیم. این فیلمی که می‌بینید، نطفه‌اش در گفت‌وگوهای میان من و آقای فتحی بسته شده، ما نفاهم داشتیم که کار تاریخی جذابیت‌های خودش را دارد اما اینکه صرفاً درباره مقطعی از تاریخ بنویسیم برای بیننده امروز کفایت نمی‌کند. باید به این می‌رسیدیم که نسبت میان امروز و آن دوران چیست و باید مسائلی را مطرح می‌کردیم که به درد زندگی امروز بخورد.

می‌دانید که در ترکیه مولانا از قداست خاصی برخوردار است. یعنی با همان آدایی که ما به زیارت حرم امام رضا می‌رویم آنها به زیارت مولانا می‌روند. اما افسانه‌هایی هم در جریان است که حتی برخی از آنها مکتوب هم شده‌اند. مثلاً در دوره وزارت معین‌الدین پروانه، مولانا کرامتی از خودش نشان می‌دهد که حمله مغول دفع می‌شود. ما سه منبع را به عنوان منابع اصلی تعیین کردیم که بی‌واسطه‌ترین منابع به آن دوران هستند. «مثنوی ولدنامه سلطان ولد» پسر مولانا که نزدیکترین روایت است از زندگی مولانا، «رساله فریدون احمد سیهسالار» که محضر مولانا را درک کرده و «مناقب‌العراقین» احمد افلاکی که بعد از فوت مولانا نوشته شده اما تصریح شده که او هم در حلقه مردمان مولانا بوده است. این کتاب تنها منبعی است که نام کیمیا خاتون را مطرح می‌کند. مناقب‌العراقین از این رو برای ما جذاب بود که استناد بدیع‌الزمان فروزانفر در کتاب زندگی مولانا دائم در پانویست‌ها به این کتاب اشاره می‌کند. البته وقتی به دیدار شمس و مولانا اشاره می‌کند به چند منبع از جمله ولدنامه، افلاکی، ابن‌بطوطه و محی‌الدین مولف الجواهرالمضیه رجوع می‌کند. ما تقریباً منابع مختلف را مقابله کردیم و همه آنچه که رابطه این دو را توضیح می‌دهد، بررسی کردیم. بحث ما این بود که مولانا چه می‌گوید و بعد از این دیدار چه اتفاقی می‌افتد. حرف حساب او شبیه عطار است و اگر آموزشی‌ترش کنیم، شبیه کبیر کگور است که درباره امر نامتناهی و گذر از ساحات مختلف زندگی انسان صحبت می‌کند. یعنی گذر از ساحات نفسانی، اخلاقی و دینی. مولانا در هر سه این ساحت‌ها عشق را می‌دیده است و به همین دلیل است که نام فیلم را هم مست عشق گذاشتیم.

در فیلم با دوگانه‌های زیادی مواجه هستیم، درویش و فقیه، دین و عرفان و... آیا وجود این دوگانه‌ها تعدمی بوده و ساختار داستان را براساس اینها پایه‌ریزی کردید؟

اتفاقاً از همین نقطه ورود کردیم که مسا امروز درگیر چه چیزهایی هستیم؟ اگر انسان عاشق شود، عشق او تنها به مرد یا زن منحصر



نمی‌شود، عاشق طبیعت هم می‌شود، عاشق تمام زیبایی‌ها می‌شود اما انسانی که عاشق نباشد، طبیعت را تخریب می‌کند. خودخواه و خودپرست می‌شود. چقدر در مذمت خودخواهی و دوست داشتن خویش در مثنوی می‌خوانیم؟ تا دل‌تان بخواهد. ما همدیگر را دوست نداریم، به هم اعتماد نمی‌کنیم و برای منفعت خود حاضریم خون بریزیم. اما اگر عاشق شویم که پیام خداوند است، این مشکلات محو می‌شوند. بحث مولانا این است که اختلافات را کنار بگذارید. همدلی، محبت و عشق را برگزینید. مولانا می‌گوید: اختلاف خلق از گفت افتاد. می‌گوید همدلی از هم‌زبانی خوش‌تر است. دلم می‌گوید حرف همدیگر را بفهمیم. وقتی همدل باشید، نیازی به زبان ندارید. می‌گوید همدلی زبان دیگری است و مدام این پیام را می‌دهد که به مدارا کنار یکدیگر زندگی کنید. او این اندیشه را در زمانی بسط می‌دهد که عالم در فتنه جنگ می‌سوزد. مولانا می‌گوید، نجنبید. صلح کنید، صلح، دوست داشتن یکدیگر است. حرف از تساهل و مدارا می‌زند و می‌گوید از ملت عشق باشید. داستان موسی و شبان که همه خوانده‌های ناشی از تاثیر شمس در مولانا است. دلم این مسائل را تکرار می‌کند، حالاً مقابل این آدم که مدام صلح را تبلیغ می‌کند، جنگ‌آوران هستند. دکان آنها در جنگیدن است و این پیام امروز هم همچنان وجود دارد. در واقع در پاسخ به سوال شما می‌خواهم بگویم، وقتی وضعیت یک طرف را تعریف می‌کنیم، نقطه مقابلش هم روشن می‌شود. پیام مولانا همدلی بوده، چه کسی موازنه عشق را به هم می‌زند و سودش در برهم زدن این وضعیت است. آنهایی که جنگ‌آورند یا جنگ‌طلبند یا بنا بر وظیفه به جنگ رفته‌اند. اسکندر بنا بر وظیفه رفته است. ما مولانا را هم در آستانه یک تحول می‌بینیم. مولانا از این وضعیت ملول و افسرده‌خاطر است. از درس دادن و کار تکراری خسته شده است. با کارها دیگر او را راضی نمی‌کند. حرف محی‌الدین که به شمس می‌گوید: به آن شهر برو چون سوخته‌ای هست که باید در او آتش بزنی، درست بوده است. ناگزیر به این دوگانه می‌رسیم که در این طرف کسی ندای عشق سر می‌دهد و در طرف مقابل کسی در آتش جنگ می‌رمد، می‌بینیم که افراد دیگری هم در دو سوی این معادله حضور پیدا می‌کنند. به محض اینکه قهرمانان در فیلمنامه متعدد می‌شوند، شما صاحب روایت موازی می‌شوید، بنابراین چه بخواهید و چه نخواهید، ساختار به شکل روایت‌های موازی درمی‌آید. روایت موازی هم لاجرم ما را به زمان غیرخطی می‌رساند. فیلمنامه در زمان سفر می‌کند و رفت و برگشت دارد.

در زمان نوشتن طرح ساختار خطی بود؟

بله.

با روایت اسکندر؟

با هر سه. از نسخه‌های هشتم و نهم ساختار غیرخطی شد. این فرم از خود مولانا می‌آید. او در مثنوی همین کار را کرده. مولانا قصه‌ای تعریف می‌کند اما هنوز تمام نشده به سراغ قصه دوم و بعد همین‌طور به سراغ قصه سوم می‌رود و بعد همه اینها را در معنا به هم پیوند می‌دهد، درحالی که هر کدام از این قصه‌ها سرانجام خودش را دارد.

افرادی که شیفته مولانا هستند، وقتی فیلم را می‌بینند دچار تناقض می‌شوند و می‌گویند، فیلم‌ته درباره مولانا است و نه شمس. چراکه بخش زیادی از داستان درباره اسکندر است. فیلم از ابتدا هم با او شروع می‌شود و از نیمه قصه هم که دیگر داستان اسکندر را دنبال می‌کنیم و این دو در حاشیه قرار می‌گیرند. چه پاسخی به این دسته از تماشاگران دارید؟

ما ارادت قلبی به مولانا و شمس داریم اما یادمان نرود، سینما صنعت است. به خصوص سینمایی که متکی به بخش خصوصی است و تماشاگر باید به تماشای فیلم بنشیند. ما هم ناچاریم که به این وجه توجه کنیم. مولانا یکی از بزرگان ادبی فارسی است، شخصیتی بین‌المللی است. وقتی مدونا آلبومی به نام او دارد، یعنی که رومی آنجا را هم فتح کرده و همه به او توجه دارند. با همه اینها وقتی می‌خواهید

چند درصد از داستان مستند است؟

داستان اسکندریک کاملاً تخیلی است. در برخورد شمس و مولانا بسیاری از داستان‌ها و دیالوگ‌ها از مستندات است و از آن منبع اصلی که نام بردم و کتاب‌های استاد زرین‌کوب و کتاب زندگی مولانا استاد فروزانفر وام گرفته شده است. کتاب‌های مقالات شمس و مقالات مولانا و نیز مجالس سبعه و فیه ما فیه منابعی است که ما برخی از دیالوگ‌های شمس و مولانا را از آنها استخراج کردیم به‌خصوص گفت‌وگوهایی که بین خودشان رد و بدل شده است. یا مثلاً ماجرای افتتاح مدرسه قرآنی خیلی مفصل در منابع آمده است. کل مجالست مولانا با شمس حدود سه سال طول می‌کشد. شمس دو مقطع در قونیه بوده است. بار اول که شمس و مولانا همدیگر را ملاقات می‌کنند. ۴۰ روز در حجره می‌نشینند و وقتی بیرون می‌آیند، شایعات و دشمنی‌ها آنچنان او را می‌رنجانند که شمس به عادت همیشگی‌اش این شهر را ترک می‌کند. رفتن شمس، مولانا را به هم می‌ریزد. در این دوره بحث مرگ شمس در میان نیست. مولانا از خیلی‌ها مد می‌گیرد برای پیدا کردن شمس که خبر می‌رسد، او در دمشق است. مولانا به سلطان ولد ماموریت می‌دهد که همراه چندین نفر با هدایای زیاد به ملاقات شمس بروند. این اتفاق باعث می‌شود که شمس به قونیه بازگردد. سکناسی که ظاهر شمس تغییر کرده و به ملاقات کیمیا خاتون می‌رود، متعلق به بازگشت او به قونیه است. علاءالدین محمد، شمس را پس از بازگشت تهدید می‌کند و متعصبان مذهبی هم چنین رفتاری با شمس دارند. این دشمنانی‌ها باعث غیبت دوباره شمس می‌شود. در روایتی مکتوب شده است که هفت عنود حسود با کارد به شمس حمله کرده و بعد فرار می‌کنند. شمس هم ناپدید می‌شود. استاد فروزانفر اما این روایت را خیلی تأیید نمی‌کند. ما چند روایت از جمله درگیری، افتادن در چاه و حمله به شمس را با هم ترکیب کردیم و به این داستان رسیدیم. این روایت که مرد مستی اعتراف می‌کند که فرد دیگری را کشته، تخیلی است. ما به این خاطر این روایت را در فیلم گنجانیدیم چون در خوی مقبره‌ای به نام شمس داریم. برخی روایت‌ها می‌گویند که شمس پیدا می‌شود و در کنار مولانا در قونیه دفن شده است. اما در ایران اعتقاد بر این است که شمس به خوی برگشته و در همان جا از دنیا رفته و مدفن شده است و مقبره‌ای هم برای او ساخته‌اند که مناره‌ای هم با سبک معماری سلجوقی دارد. ما این روایت را می‌پسندیم که شمس جان سالم به در می‌برد، به خوی برمی‌گردد، به مرگ طبیعی از دنیا می‌رود و در آنجا دفن می‌شود. بنابراین ما از بخشی از روایت‌ها به دلخواه استفاده



تحلیل تجسمی

بازنمایان‌دن امر باز‌نمایی ناپذیر

درباره نمایشگاه شاید این من بودم مینا حسینی
در گالری شریف

آیدین باقری
منتقد تجسمی

در نوستالژی گرچه کیفیتی عمیقاً عاطفی است، جنبه‌های عقلی هم وجود دارد، عقلی که با گذشتت زمان حاصل شده و در نگاه به پشت سر، معماهای سابقاً پیچیده را قابل حل کرده است.

محمد قائد

به تازگی مینا حسینی نمایشگاهی با عنوان «شاید این من بودم» در گالری شریف برپا کرد. پیش از هر چیز ترجیح می‌دهم برای توصیف کم‌ویف نمایشگاه، سطرهایی از بیانیه هنرمند را برجسته کنم، چراکه گمان می‌کنم، شایبیت فهم مسأله کلی هنرمند و حتی چیدمان آثار است: «من به خاطر تم چنگ می‌انداختم تا غرق نشوم، سرم را از سهمگینی یک موج بالا بیاورم، نفسی تازه کنم و قبل از آنکه موج دیگری از راه برسد، بگویم: هنوز زنده‌ام و قرار است از کشاکش امواج رها شوم و به ساحل امن برسم».

آثار مینا حسینی به دو بخش مجزا تقسیم می‌شود که منبع الهام بخشی از آنها، رجوع به آلبوم عکس‌های خانوادگی است و بخش دیگر آثار را می‌توان انتزاعی فهمید که بازنمایی یا تداعی‌کننده امواج دریاست. هر دو بخش ذیل تکنیک چاپ «سایانوتایپ» صورت منسجمی پیدا می‌کند. در واقع بی‌آن‌که هنرمند آفرانه بگوید از کجا شروع به دیدن کنیم، سرخی را در اختیارمان می‌گذارد که هر دو بخش برای‌مان معنادار شود. او توأمان از ملال فقدان و تاب‌آوری می‌گوید: چگونه ممکن شدن یا ناممکن شدن سوگواری که سبب شده است، گاهی تمام زخ‌های گذشته لابه‌لای تصاویر به‌جا مانده در سطحی نمایان شود و گاهی هم نه و فرکتش کند. برای او عکس‌ها چنان رسانه‌ای قابل اتکاست که باز یادآوری هر آنچه از کف رفته را هم‌چون اندام مصنوعی ادراک، ممکن می‌کند؛ مسأله از نو یازایی کردن زمان و فضای گذشته نیست بلکه چگونه مواجه شدن با فقدان یا تجربه چگونه مواجه شدن است؛ چه لحظه‌هایی را باید احضار کرد و در برابر چه لحظه‌هایی باید مقاومت کرد و به غیابشان اصرار ورزید. تصور می‌کنم حتی انتخاب فریم‌ها از میان آلبوم‌ها نیز امری زنج‌آور و دشوار بوده است و چه‌بسا ثبت، چگونگی حذف و انتخاب این فریم‌ها پیش از بدل شدن به اثر هنری می‌توانست سطح دیگری از مناقشه مداوم هنرمند را با گذشته یا ناگزیربودگی را نمایان کند. فراموش نباید کرد که مینا حسینی از فقدان یاد خود و تجربه‌اش در مقام فرزند می‌گوید: موضوعی که درون‌مایه‌های شخصی و عاطفی‌اش پررنگ است اما پتکی به دست گرفته که مخاطبانش را هم بدل به «شاید این من بودم» می‌کند یا به تعبیر دیگر خواسته یا ناخواسته مخاطبان خود را وادار می‌کند تا در گذشته خود هبوط کنند و البته که ممکن است، خرد شوند اما جان سالم به در خواهند برد. بدون شک این لحظه برای هنرمند درخشان است که موضوع کارش، مسأله مخاطبانش و حتی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، شوی بودی آنکه به نمایشی زینتی و الکن تقلیل پیدا کند. مفهوم فقدان در این آب و خاک غریب نیست؛ کافی است تاریخ معاصر را تورق کرده باشیم تا متوجه این مهم شویم که همواره سایه مهیب و دهشتناک فقدان همواره تهدیدی برای زندگی و اشتیاق به بقا بوده است اما در عین حال خودآموز آموخته‌ایم چه مکانیسم‌هایی را برای مقاومت، تاب‌آوری و... اتخاذ کنیم تا شاهده روزهای شغف باشیم بلکه در آن سهمی هم داشته باشیم. در نمایشگاه «شاید این من بودم» ما شاهد چگونگی به‌کارگیری مکانیسمی هستیم که هنرمند از آن بهره گرفته است. او اطواری ندارد و در کافه سیگار به دست نمی‌گیرد، من به بوچی رسیدم و وقتِ وقتِ خودکشی است یا توماری از سرخوردگی‌ها را تحولی ما بدهد بلکه تمام این کشمکش به ظاهر پایان‌ناپذیر را ذیل آثارش، و الایش می‌کند تا بتواند اندکی از بار گذشته را برای باقی ماندن در آینده بکاهد. فارغ از این‌که هنرمند تا چه اندازه توانسته است، مفهوم رویت‌ناپذیر فقدان را مرئی کند، که بدون شک کار ساده‌ای هم نیست، گمان می‌کنم توانسته، سهم قابل توجهی را برای بازنمایان‌دن امر بازنمایی ناپذیر فقدان ادا کند که قابل تأمل است. آن‌چه برای ما تلنگری به‌جا و خوش‌وقت است و نه محدود به زندگی روزمره و اطرافیان‌مان، بلکه در نسبت با جامعه و تاریخی که اکنون در آینده نوشته خواهد شد؛ لحظه‌ای نامعلوم در آینده که خواهیم گفت: «شاید این ما بودیم».



چخوف کانادا

آلیس مونرو، نویسنده نوبلیست در گذشت

آلیس مونرو، نویسنده کانادایی برنده نوبل ادبیات ۲۰۱۳ و از مهم‌ترین نویسندگان داستان کوتاه، شام‌گاه دوشنبه، ۱۳ مه در ۹۲ سالگی درگذشت. او که بیش از یک دهه از زوال عقل رنج می‌برد به گزارش روزنامه «گلوب اند میل» در یک خانه سالمندان در اونتاریو درگذشت. ناشر آثار مونرو با تأیید درگذشتش از او چنین یاد کرد: «آلیس مونرو یک گنجینه ملی است؛ نویسنده‌ای با عمق، هم‌دلی و انسانیت که آثارش توسط خوانندگان کانادا و سراسر جهان خوانده، تحسین و گرامی می‌شود. نوشته‌های آلیس الهام‌بخش نویسندگان بی‌شماری نیز بوده و آثارش تأثیری محوشدنی بر چشم‌انداز ادبی ما بر جای می‌گذارد». جاستین ترو، نخست‌وزیر کانادا هم با انتشار بیانیه‌ای تأکید کرد: «آلیس مونرو یکی از بزرگ‌ترین داستان‌نویسان جهان بود». مونرو برای بیش از ۶۰ سال، زندگی روزمره را از دریچه داستان کوتاه بررسی می‌کرد. مجموعه آثار مونرو که زمانی با لقب «چخوف کانادایی» نامیده می‌شد براساس فرم‌ها و موضوعاتی بود که به‌طور سنتی توسط جریان اصلی ادبی نادیده گرفته می‌شد. سال‌ها بعد که شهرت مونرو رو به افزایش رفت، داستان‌های کمتر دیده شده‌اش از افراد ظاهراً ساده در شهر کوچک کانادایی، جوایز متعدد بین‌المللی را برای او به ارمغان آورد. داستان‌های مونرو اغلب به فارسی ترجمه شده‌اند، از جمله معروف‌ترین آن‌ها «رؤیای مادرم» با ترجمه ترانه علیدوستی و دو کتاب «فرار» و «زندگی عزیز» با ترجمه مژده دقیقی. آلیس مونرو به‌رغم شهرت جهانی و موفقیت‌های زیاد و برخلاف مارگارت اتوود، دیگر نویسنده مطرح کانادایی تمایلی به حضور در انتظار عمومی نداشت. آکادمی سوئد سال ۲۰۱۳ با اهدای جایزه نوبل ادبیات از مونرو به‌عنوان «استاد داستان کوتاه معاصر» یاد کرد. مارگارت اتوود، زمانی او را «در میان نویسندگان اصلی زبان انگلیسی» نامید و جان‌اتان فرزن دربارۀ او نوشت: «مونرو یکی از معدود نویسندگانی است که وقتی می‌گویم داستان‌نویسی دین من است، او را در ذهن دارم».

زندگی مونرو

آلیس مونرو ۱۰ ژوئیه ۱۹۳۱ در شهر وینگهام کانادا و در خانواده‌ای به دنیا آمد که پدرش کشاورز و مادرش معلم مدرسه بود. او از ۱۱ سالگی به یک کتاب‌خوان حرفه‌ای بدل شد و آشنایی با آثار اسطوره‌های ادبی لوسی ماد مونتگومری و چارلز دیکنز موجب شد، مسیر خود را انتخاب کند و پس از کشف آثار

آلرد تیبسون شروع به ساختن داستان در ذهن خود کرد. او که فرزند ارشد خانواده بود پس از تشخیص بیماری پارکینسون مادرش بیشتر مسئولیت‌های خانه را بر عهده گرفت و به گفته خودش درحالی که ۱۲ و ۱۳ ساله بود با احساس مسئولیت، هدف و مهم بودن آشنا شد. با وجود همه این مشکلات از نوجوانی شروع به نوشتن داستان کوتاه کرد و سال ۱۹۴۹ با بورسیه تحصیلی دو ساله مشغول تحصیل شد. سال ۱۹۵۰ اولین رمان خود با نام «ابعاد یک سایه» را زمانی که مشغول به تحصیل در دانشگاه اونتاریو غربی بود، منتشر کرد و سال ۱۹۵۱ دانشگاه را ترک و با هم‌کلاسی‌اش ازدواج کرد و به همراه همسرش به شهر ویکتوریا مهاجرت کرد. ازدواج او با جیمز مونرو سبب شد، نام خانوادگی او به «مونرو» تغییر یابد؛ نامی که همراهش ماند و بر روی کتاب‌هایش نقش بست. سال ۱۹۶۳ آلیس مونرو و همسرش یک کتاب‌فروشی راه انداختند و این به او کمک کرد تا بر موانع خود به‌عنوان نویسنده که از اواسط ۲۰ تا ۳۰ سالگی تجربه کرده بود، غلبه کند. نخستین مجموعه داستان مونرو با عنوان «رقص سایه‌های خوشحال» سال ۱۹۶۸ منتشر شد و این دو سال پس از آن بود که او چهارمین دخترش را به دنیا آورد. این گلچین توجه دیگر غول‌های ادبی کانادا از جمله مارگارت اتوود را به خود جلب کرد و اتوود او را با داستان‌نویس مشهور روسی آنتون چخوف مقایسه کرد. مونرو با مجموعه داستان «رقص سایه‌های خوشحال» موفق به کسب جایزه گاورنر جنرال کانادا شد و این روند موفقیت سال ۱۹۷۱ با انتشار کتاب «زندگی‌های دختران و زنان» و کتاب «فکر می‌کنی چه کسی هستی؟» در سال ۱۹۷۸ ادامه یافت که این کتاب دومین جایزه گاورنر جنرال را برایش به ارمغان آورد. او سپس برای معرفی کتاب‌های خود در قالب تور جهانی سه ساله به کشورهای استرالیا،



کردیم. برخی از روایت‌ها هم حاکی از این است که جسد شمس هیچ وقت پیدا نمی‌شود.

الان که فیلم را می‌بینید، احساس نمی‌کنید که به بعضی از شخصیت‌ها خیلی خلاصه و محدود پرداختید. تماشاگر با تماشای فیلم احساس می‌کند که جزیی از یک کلیت را می‌بیند و تشنه این است که مثلاً داستان شمس و مولانا یا کیمیا خاتون را بیشتر ببیند. من در مواجهه با فیلم انتظارم برای تماشای سریال بیشتر شد. خودتان چنین احساسی ندارید؟

آب کم جو، تشنگی آور به دست. اگر تشنه شدید، سریال را هم ببینید بیشتر تشنه می‌شوید. تقریباً چهار پنج سال پیش حقوق رمانی به نام «رومی» نوشته آقای بهمن شکوهی را خریدم. آن رمان بهترین متن داستانی است که درباره مولانا نوشته شده است. داستان تولد تا مرگ مولانا است. این رمان خیلی شورانگیز است. داستان پدر، برادر، عشق مولانا، زندگی و مرگ تاسف‌برانگیز همسرش، بزرگ شدن فرزندان، داستان مهاجرت‌اش به قونیه. تحصیلاتش در دمشق، ملاقاتش با شمس و... در این کتاب آمده که با خیلی‌ها برای ساختن مذاکره کردم.

در پاسخ‌های قبل گفتید که داستان شمس و مولانا تکراری و تخت است، این می‌تواند مناقشه‌برانگیز باشد. چراکه دوستان مولانا معتقدند که داستان زندگی او به همراه شمس دارای نکات و جذابیت‌های زیادی است و از آن طرف کتاب «ملت عشق» را خواندند که بسیار طرفدار دارد و آنها تصور می‌کنند اگر همین کتاب را هم تبدیل به سریالی می‌کردید خیلی جذاب می‌شد. در واقع سوال اینجاست که این روایت فیلم شما، روایت ایرانی‌هاست یا ترک‌ها؟

این روایت ایرانی‌هاست. الان در کتابخانه کوچک می‌بینید که بر از کتاب‌های مختلف درباره شمس و مولانا است. نمی‌توانم بگویم که هیچ‌یک از این کتاب‌ها در ناخودآگاه من و آقای فتحی تأثیر گذاشته است. قطعاً تأثیر داشته. اما ما مستقیماً از هیچ‌جا چیزی برداشت نکردیم. اگر می‌خواستیم فیلم را به شکل زندگی‌نامه‌ای بسازیم یا باید از تولد تا مرگ او را می‌ساختیم یا مقطعی از زندگی او مثل همین الان. تصور ما این بود که آن کار، اثر را به سمت خاص شدن پیش می‌برد و دایره مخاطبان را به شدت محدود می‌کرد که ما دلمان نمی‌خواست چنین اتفاقی رخ دهد. چون ما در اوضاع اقتصادی خیلی خوبی نیستیم و البته شانس هم همیشه در خانه فیلمسازان را نمی‌زند که افرادی حاضر شوند روی رویاهای آنها سرمایه‌گذاری کنند. حالا که کسی پیدا شد، ما حق نداریم که با سرمایه او خطر کنیم. ما با گروه اول ترک‌ها دچار چالش بر سر فیلمنامه شدیم. همکار ترکی داشتیم که نگاه تئاتری داشت، هم بر مفاهیم و هم بر بازنمایی بصری و هم چارچوب کلی کار با او تفاوت دیدگاه داشتیم. ما باید با مختصات سینمایی برای تماشاگر عام می‌ساختیم.

شما قبل از کرونا هم شروع به کار کردید و سینما پس از آن به محاق رفت. ریسک بزرگی انجام دادید، نگران نبودید که فیلم شکست بخورد؟

همه ما معتقد بودیم که فیلم موفق می‌شود. ما از روز اول با توجه به ظرفیت‌های مولانا به سراغ این فیلم رفتیم. فکر می‌کردیم که این پروژه می‌تواند اقتصادی باشد. البته این فیلم خیلی گران تمام شد. بلاهای زیادی سر آن آمد. چند سکانس مانده بود، فیلمبرداری تمام نبود که کرونا آمد و گروه به ایران بازگشتند. کرونا دو سال طول کشید. در طول این دو سال اختلافات با طرف ترک شروع شد. بعد از کرونا آقای فتحی به ترکیه رفتند و آن چند سکانس فیلمبرداری شد و پس تولید شروع شد. با همه این سختی‌ها هیچ وقت اعتقادمان را به موفقیت این پروژه از دست ندادیم. اسم مولانا بود اما مهم این بود که چه قصه‌ای بنویسیم و بسازیم که در گیشه موفق باشد. ما سرمایه بخش خصوصی را داشتیم به آب کر دولت وصل نبودیم که ساخت

سریال سال‌ها طول بکشد و مهم هم نباشد. ما نمی‌توانستیم به سرمایه‌گذار جفا کنیم. بنابراین هر آنچه به ذهنمان می‌رسید که باعث موفقیت فیلم در گیشه شود باید در فیلمنامه پیش‌بینی می‌کردیم. آقای فتحی در ساخت آثار تاریخی استاد است. ما مثل او کم داریم. اما شاید اگر همین حالا آقای فتحی بخواند این کار را از نو شروع کند و البته اگر خیالش از همه چیز راحت باشد، طور دیگر فیلم را بسازد. ما در تولید چالش‌های بسیار زیادی داشتیم. اگر ما بخواهیم از نو بسازیم حتماً جور دیگری خواهیم نوشت و ساخت. یعنی من حتماً چیزهایی را به فیلمنامه اضافه می‌کردم اما شاکله کار همین‌طور خواهد بود. روایت‌های موازی را کنار نمی‌گذاشتم و نسبتش با امروز برای من اصل بود و حتماً چیزی از امروز را از آن زمانه احضار می‌کردم.

شمس شبیه یک ساحر یا موسی است با آن عصا و ریش. انگار انسان غیرطبیعی تصویر کردید که خنجر نمی‌خورد و به راحتی از مرگ فرار می‌کند. فرانتسان بودن از ابتدا مدنظرتان بود یا سلیقه آقای فتحی بود؟

پشمینه‌پوش بودن او قطعی است. لباس‌های شمس به دقت توصیف شده در منابع تاریخی. خوب دستی او سلیقه آقای فتحی است. اما داستان این دو، بازآفرینی داستان خضر و موسی است. اما اینجا در مفهوم خضر شمس و در ظاهر موسی است. در صحنه‌های آخر که وقتی اسکندریک به او می‌گوید بین شما چه گذشته. در واقع این طور گفته می‌شود که شمس دست مولانا را می‌گیرد و به تماشای جهان می‌برد. یعنی دریچه‌ای نو را رو به او باز کرده و چشم سوم او را باز می‌کند. بنابراین شباهت‌هایی بین این دو داستان وجود دارد.

فکر می‌کنید، تماشاگرگی که علاقه‌مند به مولانا و شمس شده با تماشای سریال اذعان می‌شود؟

امیدوار هستم که این اتفاق بیفتد.

دیدگاه: یادداشت روز

در اهمیت شاهنامه، شاهکار فردوسی «مهری ملت ایران»



مهران فردوسی
دانش‌آموخته زبان و ادبیات فارسی

متن‌ها هم، همچون سرزمین‌ها، سرگذشت خودشان را دارند. وضعیت امروز یک متن از لحاظ توجه عمومی و علمی لزوماً بر وضعیت گذشته آن منطبق نیست. این گزاره به ظاهر بدیهی می‌نماید. اما غالباً در فکر کردن به پدیده‌هایی که از گذشته به ما رسیده‌اند، دچار این خطای شناختی می‌شویم که آنها را پدیده‌هایی صلب، جامد و ایستا بدانیم. غبار عادت که بر ذهن ما نشسته ناشی از آنچه دیده، شنیده و خوانده‌ایم، موجب این تصور می‌شود که آنچه ما امروز، از منظر امروزی‌مان، درباره آثار گذشته می‌بینیم، همان چیزی است که در گذشته هم رواج داشته است.

اغلب ایرانیان فارسی‌زبان وقتی به مجموعه «ادب فارسی» فکر می‌کنند به متون مشخصی می‌اندیشند؛ شاهنامه فردوسی، رباعیات خیام، دیوان حافظ و کلیات سعدی احتمالاً از آن جمله است. امروزه ما اینها را از ارکان فرهنگ ایرانی و از شالوده‌های متنی زبان فارسی می‌دانیم. با این حال آنچه غالباً فراموش می‌شود این است که جای داشتن این متون در قفسه «بزرگترین آثار ادب فارسی» در ذهن و ضمیر هر فرد ایرانی به معنی وضعیت تاریخی این متون، یا هر متن دیگری، نیست. اگرچه وسوسه برانگیز است که نخب‌تبعی یکسان را تصور کنیم که ذهنیت تمام ادوار یک سرزمین را به هم پیوند داده است و به این ترتیب، نه تنها خود را جزئی از این پیوستگی بلکه مشابه تمام ادوار گذشته آن بدانیم، این تصور معمولاً با واقعیت تاریخی منطبق نیست. به این شکل، انگار بخشی از ذهنیت امروزی خودمان را روی گذشته می‌تابانیم و پدیده‌های گذشته را بر آن اساس تفسیر می‌کنیم.

با این پیش‌فرض، شاهنامه فردوسی اثر حائز اهمیتی است؛ امروزه اغلب ایرانیان آن را از ارکان فرهنگ ملی خود می‌دانند تا حدی که وجود چیزی به نام زبان فارسی و فرهنگ ایرانی را مرهون وجود این متن می‌بینند. در اهمیت آن تردیدی نیست؛ پنجاه‌چند هزار بیت که به‌نوعی سرگذشت ایرانیان را از منظری خاص به روایتی منظوم کنشیده اما باور عمومی آن است که «فردوسی با شاهنامه خود، مفهوم ایران را مشخص کرد و احساس ایرانی بودن را در دل‌های ایرانیان جان تازه‌ای بخشید». این دیدگاه آن‌چنان دیدگاه غالب و معیاری است که حالتی بدیهی به خود گرفته است.

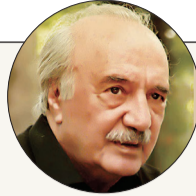
ملک‌الشعراء بهار در پاسخ به نشریه «مهر» درباره بزرگترین شاعر ایران در سال ۱۳۱۴ نوشت: «فردوسی مردی وطن‌دوست و ایران‌ستای بوده و امروزه این حس در ایران قوت دارد و بزرگترین صفت وطن‌دوستی است». نقطه نقل این جملات، به باور من، اشاره بهار به مساله «زمان» است؛ «امروزه این حس در ایران قوت دارد». اشاره ظریف او به شرایط سیاسی - اجتماعی زمانه اهمیت فراوانی دارد. وقتی در متون کهن مثل تذکره‌ها به دنبال اثری از شاهنامه فردوسی می‌گردیم، آنچه می‌یابیم، ستایش این اثر به عنوان متنی فصیح است که به تعبیر عوفی این فصاحت را «از اول تا آخر» حفظ کرده است؛ و موضوع آن در دیدگاه بسیاری از قدما «تاریخ شاهان عجم و نسب و رفتار و سیرت ایشان» بود. اقبال گسترده به شاهنامه نه به‌عنوان اثری سترگ، متنی فصیح یا روایتی اثرگذار بلکه به عنوان «مهری بزرگ ملت ایران»، مساله‌ای زمان‌مند است که نیاز به کاوش بیشتر دارد. باید به سراغ شرایط اجتماعی - سیاسی‌ای رفت که شاهنامه را به متنی «وطنی» بدل ساخت و «وطن» مدنظر فردوسی را با «وطنی» که هم‌اکنون ما در آن زندگی می‌کنیم، یکسان انگاشت. هم‌چنین باید به سیاست‌گذاری‌های فرهنگی‌ای پرداخت که خصوصاً در دوره پهلوی اول، این متن ادبی شگفت‌انگیز و کم‌نظیر را مانند پایه و اساس هویت «ایرانی» مدنظرش ترویج کرد.

در بررسی سرگذشت پویا و دائماً درحال تحول آثار ادبی و مؤلفان آنها مقصود، داوری ارزشی نیست؛ اساساً داوری ارزشی بیرون از کار پژوهشی است. در بررسی سرگذشت متونی که «ایرانیّت» ما ایرانیان امروزی را ساخته‌اند، آثاری به عظمت و اهمیت شاهنامه فردوسی، هدف، شناخت عمیق‌تر و دقیق‌تر گذشته‌ای است که سازنده امروز بوده است.



آرش زمان خود

زاله آموزگار: یادمان باشد که به‌جز شاهنامه فردوسی ما شاهنامه‌ها و تاریخ‌های دیگری نیز داشته‌ایم؛ ولی هیچ‌یک جایگاه شاهنامه فردوسی را نیافته‌اند. شاید این بدان جهت است که حکیم توس، تنها هنرش به نظم آوردن نثرها نیست؛ بلکه او آرش زمان خود است که جوانی، دارایی، جان و روانش را بر این اثر نهاد تا سالیان دراز، ایران و فرهنگ ایرانی زنده بماند.



سرگذشت ملت

حسن انوری: «شاهنامه» فردوسی نه تنها هم از جهت کمیت و هم از نظر کیفیت بزرگ‌ترین اثر ادبیات فارسی است بلکه یکی از شاهکارهای ادبی جهان است. یکی از حماسه‌شناسان معروف غربی، آن را یکی از شکوهمندترین آثار ادبی جهان خوانده است. شاهنامه فقط داستان جنگ‌ها و پیروزی‌های رستم نیست بلکه سرگذشت ملتی در طول قرون و نمودار فرهنگ، اندیشه و آرمان این ملت کهن‌سال است.



پای‌بندی به امانت‌داری

احمد مسجدجامعی: هیچ یک از موانع، فردوسی بزرگ را از هدفی که بیش از ۳۰ سال، لحظه‌لحظه عمر خود را بر سر آن نهاد، باز نداشت و بدین‌ترتیب یکی از بزرگ‌ترین آثار ادبی جهان پدید آمد و ایرانیان باید نسل در نسل، خود را وامدار و مدیون او بدانند. درس بزرگ فردوسی پای‌بندی به امانت‌داری و رعایت حق دیگران است که امروز از آن دور شده‌ایم.

نفوذ شاهنامه در ناخودآگاه جمعی ایرانیان

گفت‌وگو با «رضا زنگنه»، پژوهش‌گر ادبیات فارسی در باره روز بزرگداشت فردوسی



حمیدرضا محمدی
دبیر صفحه جوان

در روزگاری که دولت‌های نوظهور در پی تاریخ‌سازی‌اند و می‌کوشند تا از بی‌مصدره شخصیت‌ها، فرهنگی ولو مجعول برای خود دست‌وپا کنند، توجه به شاهکارهای ادبی و خالقان‌شان به‌ویژه شناساندن اهمیت آن به نسل جوان، ضرورتی بیش‌ازپیش دارد. برای این مهم در حال‌وهوای روز بزرگداشت فردوسی و پاسداشت زبان فارسی با «رضا زنگنه»، پژوهش‌گر و مدرس ادبیات فارسی گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

شاهنامه را از چه زوایایی می‌توان یک اثر ملی دانست؟

مهم‌ترین زاویه‌ای که شاهنامه را برای ما به یک اثر ملی تبدیل می‌کند، مشترکات فرهنگی ما ایرانیان در طول تاریخ است و مهم‌ترین نکته شاهنامه که از منظر زبان فارسی و تاریخ آن دارد این است که آثار ادبی، مهم‌ترین حافظان زبان هستند و مهم‌ترین عامل انتقال فرهنگ ملی، زبان است و اگر کمتر دستخوش تحولات بنیادین شده باشد، ارتباط معاصرمان ما را با تاریخ زبان و داشته‌های کهن‌مان بیشتر حفظ و کمتر دچار آسیب می‌کند زیرا زبان فارسی برجسته‌ترین حامل فرهنگی ملت ایران و ملل مجاور هم‌فرهنگ است.

آیا آن طور که مشهور است، آیا واقعا شاهنامه در احیا و ابقای زبان فارسی نقش کلیدی ایفا کرد؟

باور غلطی در میان است که زبان مردم عصر فردوسی درحال عربی شدن بوده، یا فارسی رو به فراموشی بوده یا حتی مردم خراسان به عربی سخن می‌گفتند که هرگز چنین نبوده است. زبان فردوسی همان زبانی است که مردم معاصرش به آن گفت‌وگو می‌کردند و حتی اگر بتوان ثابت کرد که فردوسی گرایش داشته تا از واژه‌های عربی دخیل کمتر استفاده کند شاید تنها اختلاف مختصری با زبان مردم داشته است. مهم‌ترین عاملی که می‌توان برشمرد که شاهنامه به حفظ و نه احیای زبان کمک کرده این است که وقتی آثار ادبی مهمی در یک زبان تالیف و تصنیف می‌شوند، باعث می‌شود آن زبان برای معاصران و آیندگان پویا، زنده و زیبا باقی بماند و از این منظر به زبان خدمت می‌کنند حتی اگر در مخیله شاعران و مؤلفان و مصنفان خدمت به زبان وجود نداشته باشد.

سرزمین ایران و زبان فارسی طی آن ۳۰ سال سرایش شاهنامه چگونه وضعیتی داشت؟ چون می‌دانیم در برهه‌ای از آن، ترکان غزنوی بر ایران حاکم بودند.

آنچه از حاکمیت حکومت‌های ترک‌نژاد می‌دانیم و در تاریخ نقل شده، این است که آنان هرگز دشمنی با عناصر ایرانی و زبان فارسی نداشتند و حتی نقش‌شان در ترویج و حمایت زبان و فرهنگ ایرانی آفندر هست که از بعضی جهات از سامانیان نیز پیش افتادند. میل محمود غزنوی به تشکیک اجتماعی از نویسندگان و شاعران و اهل فرهنگ و قلم و ایجاد کانون فرهنگی در غزنه و دربارش که یک تجلی آن گردآوری شاعران مهم فارسی‌سراست در عمل دولت غزنوی را سلطنتی ساخت که ایرانی است و خودش را در تقابل با ایران فرهنگی نمی‌بیند و هرگز مساله نژادی را سبب هویت منفک از ایرانیان نمی‌داند به ویژه درباره محمود غزنوی می‌توان گفت، با یک شخصیت فرهنگ‌دوست مواجه هستیم که چه علاقه شخصی و چه سیاست‌های فرهنگی‌اش باشد، رویکرد مثبتی دارد و آنچه درباره بی‌مهری به فردوسی نقل می‌شود، حدس‌هایی است که می‌خوانند به دشمنی با ایران و تشیع ارتباط دهند اما استدلال‌های قوی‌ای نیست و قطعاً محمود غزنوی با متن شاهنامه مشکلی نداشته است.

شاهکار حکیم ابوالقاسم فردوسی چقدر در بازتولید هویت ملی و نوزایی فرهنگی کامیاب بوده است؟

اگر قابل به‌نگاه‌هایی باشیم که فردوسی را ادامه سنت شعوبیه و به‌نوعی نوزایی یا برابری از رنسانس در تمدن ایرانی محسوب

می‌کنند که اقبال به فرهنگ و تمدن پیش از اسلام و برگشت به آن و نوعی بازبازی هویتی از شاخصه‌هایش هست، می‌توان شاهنامه را اوج آن دانست. اما رویکرد دومی که با آن موافق‌ترم این است که اساساً جریان فرهنگی به سبب آنچه در بعضی منابع مانند «دو قرن سکوت» که تحقیقات اولیه عبدالحسین زرین کوب است، نشان می‌دهد تصویر کامل‌تری که پیش چشم ما با تأملات بیشتر و نگاه‌های تاریخی‌تر و بررسی منابع تصویر شده این است که انقطاع و گسستی نبوده یعنی جریان فرهنگ، جریانی نبوده که بتواند با آمدورفت قدرت‌های سیاسی مخصوصاً در جهان آن دوره که دولت‌ها مثل امروز قدرت رسانه‌های متمرکز و جمعی و آموزش‌وپرورش متمرکز و سیاست‌گذاری شده نداشتند تحت‌الشعاع قرار بگیرند. بنابراین نه عزم و اراده‌ای برای دشمنی با فرهنگ ایرانی پس از اشغال و فتح ایران توسط اعراب و حاکمیت به‌خصوص بنی امیه بر ایران بوده که حتی پس از حاکمیت خاندان عباسی در عمل بیشترین عناصر خلافت و افراد موثرش، ایرانی است. پس اساساً انقطاعی نبوده که نوزایی و بازبازی رخ دهد و تا حدی در روزگار معاصر مبالغه شده و این نکته لحاظ نشده که حتی مهاجرانی که به قدرت یا بی‌قدرت از میان عرب‌زبان‌ها به ایران آمدند، زبان‌شان در طول تاریخ فارسی شده نه اینکه بگویم تمدن ایرانی و فرهنگ فارسی را تعویض کردند و تغییر دادند یا باعث انحطاط آن شدند؛ زیرا جریان فرهنگ به سهولت دچار و درگیر انحطاط و وقفه و خاموشی نمی‌شود تا وقتی در عرصه عمومی و بین مردم جریان دارد. در نتیجه این نوک کوه یخی است که شاید تنها بخشی از آن را در پهنه تاریخ داریم و آثار فراوانی را از پیش از خود حکایت می‌کند. بسیاری از داستان‌های شاهنامه به صورت افواهی و عامیانه یا در میان راویان بین مردم جاری و ساری بوده و فردوسی آنها را به نظم درآورده و پرداختی هنرمندانه ارائه می‌دهد و کمک می‌کند از یاد نروند ولی نمی‌توانیم ادعا کنیم که این قصه‌ها در آن دوره به فراموشی سپرده شده بود و شاهنامه به مثابه سوغات جدید و رهاورد تازه‌ای از سده‌های پیشین برای مردم بوده که مانند یک باستان‌شناس به دست آورده است.

آیا شاهنامه برای هویت ایرانی امروز کارکرد دارد؟ و آیا می‌توان به‌ویژه در میان جوانان از جایگاه و پایگاه آن سود برد؟

قطعاً در جهانی که ملت‌های نوساخته و بسا هویت محدود و کم‌سابقه تلاش می‌کنند برای خود نمادسازی و قهرمان‌سازی کنند، معدود کشورهایی هستند که مثل ایران پیشینه تمدنی و فرهنگی و آثار ادبی با پشتوانه صدها و هزاران ساله دارند. قطعاً استفاده نکردن از چنین ظرفیت فرهنگی عجیب و نادر است و باعث سرزنش و سرفرازی می‌شود. به یقین شناخت نفس وجود چنین چیزی و مقایسه آن با بسیاری از ملل دیگر که اثری متناظر و مشابه شاهنامه در فرهنگ خود ندارند، می‌تواند قدم اول ما و در عین حال گام بزرگی برای یک شناخت یک تمایز و امتیاز مهم. اما ارزش‌هایی که این داستان‌ها دارند و حکمت‌هایی که در شاهنامه جاری است و به شکل عملی خود را در زندگی نشان می‌دهد - نه اینکه بخواهد صرفاً شعار دهد یا اندرزهای انتزاعی باشد - و با توجه به اینکه خوشبختانه این

نسل مقاومت و سوء تفاهمی در برابر متون ادبی کهن ندارد اما اگر دیر بجنبیم و به خود بیایم بیشتر یا سرمایه‌های ادبی و فرهنگی‌مان بیگانه شویم و دیگران روایت‌های غربی و استعماری و تحریف‌گر و مایل به مصادره، کم‌کم تصویر متون و بزرگان ما را در ذهن مردم و نسل‌های آینده به شکل استحاله شده و تحریف شده‌ای جلوه دهند. بنابراین هر قدر در شناخت و خوانش آنها تلاش کنیم به آنان خدمت کرده‌ایم و اثرات مهم و حتی زودبازدهی را ممکن است در این فرآیند ببینیم. اما از سویی دیگر، ارزش ادبی متن شاهنامه همیشه در جای خود باقی

است و هر کس اهل نوشتن و سرودن باشد، خواندن و فهم کردن و چشیدن کلام فردوسی طبع او را ارتقا و اعتلا می‌دهد و دانشش را افزون می‌کند و از تو مخاطب حرفه‌ای‌تری چه برای داستان و چه برای شعر می‌سازد.

چقدر شاهنامه در میان مردم کوچه و بازار محل توجه و اساساً قابل فهم و درک است؟ چون می‌دانیم اساس نقالی‌ها و نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای بر پایه شاهنامه بوده و حتی مردم نام شخصیت‌های شاهنامه را بر فرزندان خود نهاده‌اند.

داستان‌های شاهنامه چه به صورت منظوم و کلام فردوسی و چه روایت‌های منثور و شفاهی و تقالی در میان مردم ایران همیشه در فرهنگ عمومی شهری و روستایی حتی در دوران متأخر برقرار بوده که یکی از آثار ظهور و بروز در قهوه‌خانه‌ها بوده است. شاید تمام مردم به آن اندازه‌ای که با داستان، روایت و افسانه ارتباط برقرار می‌کنند، همیشه و در همه حال با آن بعد شاعرانه ارتباط برقرار نکنند. قصه شاید عموماً دست‌کم در بعضی دوره‌ها، اقشار مختلف را بیشتر جذب کند تا شعر و شاعرانگی و بیان هنری. اما جذابیت این داستان‌ها به نوعی است که مخاطب حتی همین امروز هم احساس نمی‌کند که با داستان‌های قدیمی و مندرس و تاریخ مصرف گذشته روبرو است و کماکان می‌تواند اثرگذار باشد و به اشکال مختلف در میان مردم مانده است. آنقدر مهم است که حتی روایت‌های متأخر و عامیانه‌ای که حتی با شاهنامه متفاوت هستند و بعضاً بر مبنای شاهنامه و در قرون پس از فردوسی و در فرهنگ‌ها و جغرافیاهای مختلف ساخته شده‌اند با مسائل دینی و فرهنگی و زبانی‌شان، مناسب‌سازی‌اش کرده‌اند. این نشان می‌دهد، گرایش و علاقه به شاهنامه هست و اگر مردم اطلاعی از داستان‌های شاهنامه نداشته باشند، همین که نام پهلوانان و شخصیت‌های شاهنامه را بر فرزندان‌شان بگذارند یا در جاهای دیگر استفاده کنند، برایشان جذاب است. این بدان معناست که در بطن و با مسامحه در ناخودآگاه جمعی ایرانیان رسوخ و نفوذ کرده است.

چقدر بر این گفته فضل‌الله رضا موافقت دارید: «در تاریخ فرهنگ ایران هیچ کتابی را به زبان فارسی نمی‌شناسیم که به اندازه شاهنامه در هویت ملی ما تأثیرگذار بوده باشد. شاعران و سخنوران هزار سال گذشته ما تقریباً به اتفاق در برابر شاهنامه سر تعظیم فرود آورده‌اند. شاهنامه فردوسی از نظر هنر کلامی زبان فارسی روان و بی‌تکلف، همتا ندارد».

شاید تا حدی مبالغه باشد به این اعتبار که نمی‌شود، تأثیر شاعرانه و شعر و نثر سعدی و حافظ و دیگران را نادیده گرفت و ابزار سنجشی هم برای این سخن نداریم اما حتماً فردوسی از کسانی است که اغلب سخنوران با او از نظر تأثیرگذاری فاصله زیادی دارند. اما باید دید معیار ترجیح فردوسی بر مثلاً مولانا چیست. نکته مهم آن است که تأثیرگذار یک متن صرفاً از رهگذر قوت آن رخ نمی‌دهد و اینکه برای عام هم جالب باشد که بخوانند هم اتفاق می‌افتد. مثلاً ممکن است نثر تاریخ بیتهی را صاحب مزایایی بدانیم و نثر گلستان سعدی را واجد مزیت‌های دیگری.

اما در طول تاریخ در میان عموم، گلستان بیشتر خوانده شده و بیشتر هم توانسته اثرگذار بوده باشد. یا مثلاً اگر شاهنامه را با منظومه قرن چهارمی دیگری مانند ویس و رامین مقایسه کنیم، فارغ از داوری درباره سخنوری این دو گوینده، اینکه چقدر مردم هر دو را خوانده و به اصطلاح امروزی میان مخاطب توزیع شده بسیار مهم است. اکنون اگر از وظیفه ترویجی‌مان نسبت به شاهنامه فروگذار کنیم، ممکن است تأثیر فرهنگی آن کم شود. آن متن، ذخیره و گنجینه فرهنگی است و کم‌کاری ما در آموزشش، می‌تواند تأثیر آن را تا حدی پایین بیاورد.



سیل در مشهد

همزمان با بروز سیل در عصرگاه روز چهارشنبه در مشهد، غواصان آتش‌نشانی بیکر دو فرد جان‌باخته در سیلاب این شهر را از درون خودرو گرفتار در سیلاب پل انقلاب مشهد خارج کردند. جان‌باختگان یک خانم و آقا با حدود سنی ۵۰ سال بودند. باران سیلابی همراه با رعدوبرق در ساعت ۱۴ و ۳۰ دقیقه روز چهارشنبه، ۲۶ اردیبهشت‌ماه در مشهد منجر به آب‌گرفتگی در خیابان‌ها و تاریکی آسمان در این کلانشهر شد. تصاویری که منتشر شده بود نشان می‌داد که سیلاب در مشهد چند خودرو را با خود می‌برد. وضعیت تردد تا زمان تدوین گزارش معابر سطح شهر مشهد مناسب نیست. رئیس مرکز مدیریت راه‌های اداره کل راه‌داری و حمل‌ونقل جاده‌ای خراسان رضوی گفته بود که جاده اصلی فریمان - مشهد قبل از محدوده «فرهادگرد» به علت وقوع سیلاب تا اطلاع بعدی مسدود است باران جاده‌های فیروزه، طرجه - شاندیز، درگز، فریمان و سرخس را تحت تاثیر قرار داده است. استانداری خراسان رضوی هم دیروز اطلاعیه‌ای صادر کرد. بر مبنای این اطلاعیه مردم از تردد غیرضروری در سطح شهر مشهد و شهرستان‌های درگیر بارندگی و آب‌گرفتگی اجتناب کنند. همزمان با این اتفاق بوستان‌های مشهد نیز تعطیل شدند.



غیرعلنی نیست

سخنگوی قوه قضائیه گفت که دادگاه فرزندان معاون اول سابق رئیس قوه قضائیه غیرعلنی نیست

گروه اجتماعی: اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه، در نشست خبری روز چهارشنبه، ۲۶ اردیبهشت، غیرعلنی بودن دادگاه فرزندان محمدمصدق کهنومی، معاون اول سابق رئیس قوه قضائیه، را رد کرد و گفت که نمایندگان رسانه‌ها و دیگر افراد می‌توانند آزادانه در این دادگاه شرکت کنند، همزمان تاکید کرد که انتشار محتویات این دادگاه و برخی دادگاه‌های دیگر به دلیل «محدودیت و ممنوعیت قانونی» ممکن نیست. رئیس قوه قضائیه خبر داده بود که اطلاعات مربوط به دادگاه فرزندان معاون اول سابق رئیس قوه قضائیه، بعد از برگزاری جلسات دادگاه منتشر شود.

محمدمصدق کهنومی اوایل اسفندماه سال گذشته استعفا کرد. پس از آن، مرکز رسانه قوه قضائیه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که این مقام قضایی «به منظور جلوگیری از ایجاد هرگونه شائبه اعمال نفوذ یا تاثیرگذاری در پرونده فرزندان و سوءاستفاده معاندان و بدخواهان» از سمتش کناره‌گیری کرده است. سخنگوی قوه قضائیه در نشست خبری روز چهارشنبه، بی‌طرفی دستگاه قضایی در پرونده فرزندان کهنومی را اعلام کرد و افزود که انتشار اطلاعات این دادگاه فقط تحت (شرایط خاص) امکان‌پذیر است و این اطلاعات چنان چه دادگاه «مصلحت» بداند، منتشر می‌شود.



این روغن‌ها را مطرح کرد که یوسف صادقیان، مشاور امور فنی و سیاست‌گذاری اداره کل فرآورده‌های غذایی و آشامیدنی سازمان غذا و دارو، روز نوزدهم اردیبهشت آلوده بودن روغن‌ها را تایید کرده و گفته بود که این محموله «از نظر سازمان غذا و دارو، امکان ترخیص و مصرف ندارد».

سخنگوی قوه قضائیه در پاسخ به سوالی درباره آخرین وضعیت پرونده کوروش کیمپانی نیز گفت که تاکنون پنج هزار و ۳۰۰ شکایت علیه این شرکت و مالکانش در دستگاه قضایی مطرح شده و پرونده درحال رسیدگی است. جهانگیر در ادامه افزود که شناسایی اموال متهم در خارج و داخل کشور در دستور کار است و «ضابطان قضایی در تلاش‌اند اموال مردم را بازگردانند».

سخنگوی قوه قضائیه در پاسخ به سوالی درباره تبدیل حکم بابتک زنجانی و اینکه حکم افراد دیگر در این پرونده از جمله زیا حالت‌منفرد موسوم به جعبه سیاه بابتک زنجانی چه تغییری خواهد یافت، گفت که «مجازات بابتک زنجانی مطابق تبصره ذیل ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی تبدیل شد و در مورد سایر محکومان تاکنون هیچ اقدام جدیدی رخ نداده است و در صورت اقدام جدید اطلاع‌رسانی لازم صورت خواهد گرفت».

سخنگوی قوه قضائیه درباره مهدی افشارزینیک، روزنامه‌نگار زندانی، نیز گفت که اتهامات فرد نامبرده هیچ ارتباطی با وظایف خبرنگاری در حیطه اطلاع‌رسانی و شغل وی نداشته است، بلکه اتهامات وی امنیتی است و به دلیل ممنوعیت قانونی برای پرداختن به جزئیات، در زمان لازم درباره این موضوع اطلاع‌رسانی خواهد شد. سخنگوی قوه قضائیه در پاسخ به سوالی درباره افشای اطلاعات حساب‌های بانکی گفت: کنترل حساب‌های بانکی جز در مواردی که برای کشف جرم یا تحقیقات باشد، ممنوع است و دستگاه قضایی با انتشاردهندگان اسناد مالی مردم که مخمل امنیت و حریم خصوصی مردم باشد، قاطعانه برخورد می‌کند و این مساله قابل پیگرد است.

او ادامه داد: قوه قضائیه بدون در نظر گرفتن سوابق و سلیق و میزان وابستگی به گروه‌ها موضوعات را بررسی می‌کند و در این زمینه به افشاگران هشدار می‌دهد که دستگاه قضایی رفتارهای غیرقانونی را بر نمی‌تابد و هرگاه موضوع امنیت روانی و حریم خصوصی مردم مطرح باشد از باب حفظ حقوق عامه ورود می‌کند و در این زمینه پیش‌قدم است.

دادگاه منافقین به کجا رسید

جهانگیر همچنین با اشاره به برگزاری ۱۲ جلسه رسیدگی به پرونده اعضای گروهک منافقین افزود: در کیفرخواست این پرونده به ابعاد مختلف از نظر تاریخی، امنیتی و جریان انحرافی آنها پرداخته شده است و می‌تواند برای بسیاری از کسانی که می‌خواهند از تاریخ عبرت بگیرند، جالب توجه باشد. ما باید تلاش کنیم تا با افشای این جنایات و خیانت‌ها اجازه ندهیم جوانان ما در دام عنکبوتی این گروهک‌ها گرفتار شوند؛ آنان که یک روز مبارزه با امیرالیم را فریاد می‌زدند اکنون خود به نوکران استخبار جهانی تبدیل شده‌اند.

سخنگوی قوه قضائیه در پاسخ به سوالی درباره آخرین وضعیت نصب دوربین در دادسراها و محاکم به منظور نظارت بر فرآیند دادرسی که در سند تحول قضایی آمده است، گفت: درباره ثبت صوت و تصویر دادگاه‌ها، اکنون همه بخش‌های شعب محاکم پوشش صوتی دارند و پوشش تصویری نیز مطلوب است و بخش اندکی پوشش تصویری ندارد که به مسائل بودجه‌ای برمی‌گردد. او گفت که همه محاکم که پرونده‌های مهمی در جریان رسیدگی قرار دارد، مجهز به ثبت صوت و تصویر است و در این زمینه اتفاق مبارکی رخ داده است.

جهانگیر در مورد تصویربرداری محاکم خاطر نشان کرد: پوشش صوتی در محاکم مطابق قانون به نحو مطلوب انجام می‌شود و در مورد تصویر هم در صورت نظر موافق رئیس دادگاه امکان تصویربرداری وجود دارد.

در اجاره دولت

سندناصواب

پاسخ شورای عالی انقلاب فرهنگی به گزارش سازندگی

روابط عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی در پاسخ به گزارش سازندگی با عنوان «ادعای ناصواب» که در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۳ در روزنامه منتشر شده بود، پاسخی ارسال کردند که در ادامه می‌خوانید:

۱ درخصوص نقل قول از مشاور محترم رئیس‌جمهور سابق باید به این نکته توجه شود که مصوبه هیات محترم وزیران در سال ۱۳۹۶ صرفاً ملغی‌کننده مصوبه پیشین این هیات در سال ۱۳۹۵ بوده است که براساس نظر متخصصان باید با توجه به برخی تحولات داخلی و بین‌المللی برای نفوذ سند ۲۰۲۰ در برنامه‌های اجرایی کشور اقدامی متناسب با سطح اهمیت موضوع صورت می‌گرفت. از این رو، مصوبه جلسه ۷۹۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی طبق نظر خبرگان و متخصصان با حضور رئیس‌جمهور سابق و مسئولان وقت علم و آموزش کشور به تصویب رسید. که بر این اساس نتهتیا موضوع مصوبه سال ۱۳۹۵ هیات محترم وزیران، بلکه در سطحی عالی‌تر، هرگونه اقدام در راستای سند ۲۰۲۰ غیرقانونی شده و از سوی دیگر، امکان قانونی مقابله با هر اقدامی در راستای سند ۲۰۲۰ فراهم شد.

۲ مخالفت صریح رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) و ورود مستقیم ایشان به مساله، بیان‌گر سطح اهمیت موضوع سند ۲۰۲۰ بود که تقلیل موضوع، به مصوبه سال ۱۳۹۵ هیات وزیران و نادیده گرفتن سایر اقدامات در راستای سند ۲۰۲۰ در کشور اقدامی ناصواب برای انحراف افکار عمومی از عدم بیان علت تأخیر چهار ساله در ابلاغ مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی است. گفتنی است مسئولان و متخصصان دلسوز حوزه تعلیم و تربیت، بر اهمیت مصوبه جلسه ۷۹۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی قوف دارند که در آراء کارشناسی مسئولان وقت در جلسه شورا نیز تاکید بر آن شده است و در صورتی که شهبه وارده دارای ارزش کارشناسی بود، قطعاً در هنگام تصویب و ایام پس از آن، توسط یکی از مدعیان فعلی مطرح می‌شد.

۳ مستمسک قرار دادن بین‌المللی بودن سند ۲۰۲۰ و طرح این شبهه که «به این دلیل شورای عالی انقلاب فرهنگی امکان لغو این سند را ندارد» نیز ادعایی نادرست است؛ چراکه براساس نقشه جامع علمی کشور و ایضا مفاد سند جامع روابط علمی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران که با امضاء رئیس‌جمهور سابق ابلاغ شده است، این موضوع صرفاً در صلاحیت شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

۴ درخصوص ادعای حق تحفظ نیز، در همان زمان توسط حقوق‌دانان و متخصصان تاکید شد که حق تحفظ داده شده، خارج از محتوای سند و کلی بوده که با توجه به مبهم بودن شرط ذکر شده مانع لازم‌الاجرا شدن مفاد معاهده نبوده و مسئولان مربوطه در صورت نیاز به امضای معاهده می‌توانستند مانند برخی از کشورها، بدون تعجل در امضاء و اجرای تعهدات، در راستای حفظ «استقلال و اختصاصات فرهنگی» موارد مغایرت بیانیه با ارزش‌ها و اسناد بالادستی کشور را به صورت دقیق در قالب حق تحفظ اعلام می‌کردند تا حق تحفظ کشور را توسط بسیاری از دولت‌ها فاقد اعتبار تلقی نشود. ثانیاً، براساس نظر حقوق‌دانان حق تحفظ به امر عدمی تعلق گرفته و مربوط به امر وجودی است و نمی‌شود تمام بندهای یک سند مغایر با بوم فرهنگی خود را پذیرفت، درحالی که روح حاکم بر قوانین کشور ما دارای مقتضیات متفاوت است.

۵ دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی به محض اطلاع از اقدامات صورت گرفته در موضوع سند ۲۰۲۰ مکرراً تذکرات خود را به مسئولان ذی‌ربط اعلام کرد و دبیر وقت و اعضای این شورا اعتراضات خود را در جلسه ۷۹۲ مطرح کردند و همچنین ادعای عدم اختیار رئیس وقت شورای عالی انقلاب فرهنگی پیش از تذکر رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) برای در دستور قرار دادن مصوبه لغو سند ۲۰۲۰ ادعایی کذب و بی‌اساس بوده، چراکه تعیین دستور جلسات شورای عالی انقلاب فرهنگی از اختیارات رئیس این شورا بوده و لغو سند ۲۰۲۰ که پس از تذکر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دستور کار جلسه ۷۹۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت و به تصویب رسید تا انتهای دولت دوازدهم ابلاغ نشد. همچنین ادعای عدم اختیار رئیس وقت شورا در دستور قرار دادن موضوع لغو سند ۲۰۲۰ با ادعای فاقد وجاهت بودن ورود شورا به این موضوع و همچنین عدم ابلاغ آن مغایرت آشکار دارد.

۶ موضوع سند ۲۰۲۰ و آسیب‌های ناشی از اقدامات صورت گرفته در راستای اجرایی‌سازی آن، به تفصیل توسط متخصصان امر در برهه‌های مختلف مورد واکاوی قرار گرفته است و تحریک افکار عمومی برای کهننگ جلوه دادن اهمیت اقدام خلاف آیین‌نامه رئیس پیشین شورای عالی انقلاب فرهنگی در عدم ابلاغ مصوبه مهم و راهبردی این شورا، قطعاً اقدامی ناصواب و تلاش‌ی بیهوده در پیشگاه افکار عمومی است.



سایت G5 همراه اول در کتابخانه ملی ایران موفق به دستیابی به سرعت ۱۰۱۳ مگابیت بر ثانیه دانلود شد. وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در این مراسم ضمن ارائه گزارشی اجمالی از وضعیت توسعه شبکه‌های ثابت و سیار طی یک سال اخیر به رئیس‌جمهور، اظهار کرد: از سال گذشته تاکنون توانستیم ۱۲۰۰ سایت ۵G به شبکه اضافه کنیم که با احتساب ۶۰۰ سایت قبلی، مجموعاً به ۱۸۰۰ سایت نسل پنجمی رسیدیم؛ امروز به شکل نمادین سایت ۵G همراه اول افتتاح می‌شود و توسعه این فناوری در دستور کار وزارت قرار گرفته است.

خواجه نصیرالدین طوسی منعقد شد. همراه اول به‌عنوان رکورددار سرعت اینترنت ۵G در محیط واقعی و تعداد سایت نسل ۵G در ایران، توانست با بهره‌برداری از «دومین سایت ۵G خود در اراضی عباس‌آباد (کتابخانه ملی ایران) با بالاترین تکنولوژی»، تعداد سایت‌های نسل پنجم خود در کشور را به ۹۵۰ سایت برساند. اپراتور اول تلفن همراه به درخواست عیسی زارچپور، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و در حضور رئیس‌جمهور، «تست سرعت ۵G» انجام داد و کاربری به شکل ویدئوکنفرانس در پای

در آستانه روز جهانی ارتباطات، سایت نسل پنجم همراه اول در کتابخانه ملی ایران افتتاح شد تا تعداد سایت‌های ۵G کشور از ۱۸۰۰ عبور کند. روز سه‌شنبه، ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۳ در آستانه روز جهانی ارتباطات، پروژه‌های بزرگ ارتباطی همراه اول در کشور که شامل «اراداندازی سایت ۵G» و «سایت‌های اینترنت پرسرعت روستایی» می‌شود با دستور سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور کشور افتتاح و «قرارداد خرید تجهیزات بومی» اپراتور اول تلفن همراه کشور با سازمان جهاد دانشگاهی دانشگاه

افتتاح پروژه‌های ارتباطی همراه اول با دستور رئیس‌جمهور

سایت‌های 5G کشور از مرز ۱۸۰۰ عبور کرد

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدفاضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عظیمیانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیراقتاعی
مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آریزفر • حروفچین: مجتبی دیدگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۷۹



اصلاحات در بحران ۲۷۹

ادامه دوشنبه ۲۹ اسفند

منتخب شدن مجلس در هندوستان

تا شب در منزل بودم. بیشتر به مطالعه و اصلاح مصاحبه با آقای [صادق] زیباکلام، [استاد دانشگاه تهران] گذشت. گزارش‌ها را از کامپیوتر خواندم. ایستگاه [فضایی] میر روسیه بنا بود، امروز در فضا منهدم شود که به فردا موکول شده؛ چون سرعت حرکت به سوی زمین را کند کرده‌اند، دیرتر می‌رسند. خبری منتشر کرده‌اند که ایران، پیشنهاد خرید آن را داده است ولی صحت ندارد؛ نمی‌دانم چرا این خبر را جعل کرده‌اند.

در هندوستان، امروز مجلس منتخبات تعطیل شد. احزاب اپوزیسیون از جمله حزب کنگره خواستار استعفای دولت‌اند؛ به جای استعفای چند وزیر. شب برای شام به منزل فاطمی برای احوال‌پرسی از سارا و فاطمی رفتم. پیام برادر [محمد رضا] یزدان‌پناه، مدیرعامل سابق کیش نیز مطرح شد که زندانی شده و تقاضای کمک برای آزادی او کرده‌اند.

سه‌شنبه ۳۰ اسفند

تظاهرات جمعی از دانشجویان در لبنان

در خانه بودم. بعد از ظهر برای برداشتن مطالب خواندنی در مدت سفر به کیش به دفتر رفتم. به خاطر تعطیلی، خیابان خلوت بود و تقریباً نصف وقت معمولی، رفت‌وآمد طول کشید. بخشی از کتاب «اصول روانکاوی فروید» را مطالعه کردم. هنگام سال تحویل با بچه‌ها سفره هفت‌سین نشستیم و دعا خواندیم. در حیاط منزل، عکس دسته‌جمعی گرفتیم و عیدی دادم. شب هم بستگان برای عید دیدنی آمدند.

به پیام نوروزی رهبری و رئیس‌جمهور گوش دادم. رهبری، سال آینده را هم در ادامه امسال سال علی (ع) نامیدند و شعار اقتدار ملی و ایجاد اشتغال را برای سال نو مهم دانستند. در گذشته زیاد توجهی به مسائل اقتصادی نمی‌کردند ولی با احساس عدم تحرک اقتصادی بعد از دوره سازندگی، توجه‌شان جلب شده است و واقعاً هم باید در اولویت باشد. مسئولیت‌های سیاسی و فرهنگی، مدیران کشور را از توجه جدی به اقتصاد و عمران و معیشت مردم، غافل کرده است و با اینکه بیش از ۱۰ میلیارد دلار اضافه درآمد نفت داریم، قدرت رونق دادن به اقتصاد کشور دیده نمی‌شود.

در لبنان، جمعی از دانشجویان در حمایت از باقی ماندن ارتش سوریه در لبنان تظاهرات کرده‌اند؛ در مقابل دانشجویان مسیحی که چند روز پیش با خواست میشل عون، [رهبر جنبش میهنی آزاد] در مخالفت با ادامه حضور ارتش سوریه در لبنان، تظاهرات کرده بودند. در مجلس لبنان هم امروز، مخالف و موافق این موضوع صحبت کردند.

اخوی محمود، تلفنی اطلاع داد که آقای [سیدمحمد رضا] اصغفانی - ابوالوازه‌اش [= پدر همسرش] - در حال احتضار است. برای تهیه قبری در شاه‌عبدالعظیم استمداد کرد. پاسر گفت، جمعی از خانواده‌های زندانیان مطبوعات و ملی‌گراها در کنار زندان اوین، سفره هفت‌سین گذاشته‌اند؛ به انتظار اجتماع مردم. به لطف خداوند، توفیق نوشتن کامل خاطرات سال ۱۳۷۹ به دست آمد و از فردا در تقویم سال ۱۳۸۰ می‌نویسم.

توسعه

کمرمان شکسته و نمی‌توانیم بلند شویم

عارف نوروزی، مدیرعامل شستا در جلسه مدیران بازار سرمایه چه گفت؟

ستاره خلیج فارس امروز ۱۲ تا ۱۴ میلیارد دلار است. من سرمایه‌گذار با چه حاشیه‌ای باید زندگی کنم؟ تقریباً هیچی! آقای دکتر، ظرف یک سال گذشته دولت بیش از ۶۰ هزار میلیارد تومان بنزین آنجا را مصرف کرده، دریغ از آنکه یک ریال پول به ما بدهد. یعنی هم با این شکل با ما رفتار می‌کنند هم پول را هم نمی‌دهند و هم ما گرفتار این وضع هستیم. مطلب دیگر هم سیاست‌گذاری‌های اشتباهی است که درخصوص سرکوب نرخ ارز انجام می‌شود. مخصوصاً سرکوب نرخ ارز نیما. این باعث کاهش حاشیه سود شرکت‌ها می‌شود. واقعاً در این خصوص دچار مشکلات جدی هستیم. اخیراً هم بانک مرکزی آمده و گفته است، نرخ سپرده‌ها ۳۰ درصد است. نتیجه این می‌شود که پول از بازار سرمایه خارج شود و برود به سمت سپرده‌گذاری. در نتیجه هزینه مالی تا نرخ ۴۵ درصد افزایش می‌یابد و ما اکنون آن را شاهد هستیم. این موضوع واحدهای تولیدی را از پا درمی‌آورد. نوروزی، مدیرعامل شستا در ادامه گفت: این نکته‌ای که برخی تصور می‌کنند امسال با مشارکت مردم، رونق یا جهش تولید اتفاق می‌افتد، بنده به‌عنوان کسی که شرکت‌های تولیدی متعددی دارم، این موضوع را منتفی می‌دانم. چرا؟ چون دولت وقتی لازم می‌بیند، گاز را قطع می‌کند. وقتی که لازم می‌بیند، برق را قطع می‌کند. هر کجا هم که لازم دیدند، نرخ‌گذاری دستوری می‌کنند. دولت اصلاً سرمایه‌گذاری نمی‌کند. همه این موارد به اضافه موضوع مالیات، تاثیر منفی بر شرکت‌هایی که در بازار سرمایه حضور دارند، گذاشته است. شما یک نفر از این مدیران بازار سرمایه را پیدا نخواهید کرد که بگوید ما از این سیاستی که داریم، ممنونیم. این نرخ سپرده‌های ۳۰ درصد رشد نقدینگی را بالاتر می‌برد و امکان اینکه تورم در حد ۲۰ درصد کنترل شود، شوخی است. این جاده یک طرفه جواب نمی‌دهد.



پیکیری خبر

از انکار تا تایید

سخنگوی دولت درباره تغییر ساداتی نژاد چه می‌گفت؟

وزیر معزول در دولت استفاده کنند». کمتر از یک ماه بعد، وقتی رئیس قوه قضائیه رسماً برده فساد جای دیش را بالا زد، سخنگوی دولت گفت: «از شهریور ۱۴۰۱ نهاد‌های نظارتی درون دولت با گزارش‌های داخلی، برخی فسادها و تخلفات مربوط به پرونده موسوم به جای دیش را دریافت کرده و از همان لحظه با همکاری با وزارت اطلاعات و وزرای وقت صمت و وزیر جهاد کشاورزی، اقدامات لازم برای شناسایی اموال، جلوگیری از خارج کردن برخی اموال و افراد و شناسایی شرکت‌های صوری انجام شد و این اقدامات تا حوالی اسفند منجر به تشکیل پرونده شد. این مجموعه اقدامات تا اسفندماه همان سال منجر به تشکیل پرونده برای ارجاع به دستگاه قضایی شد. روش و منش دولت این است که اجازه هیچ‌گونه فساد می‌دهد و خودش اولین برخورد کننده باشد» (ایرنا). در واقع در اینجا ایشان اذعان می‌کنند از شهریور ۱۴۰۱ از ماجرا خبر داشتند. در حالی که ما می‌بینیم قبلاً چیزی نمی‌گفت. در عین حال سخنگوی دولت در همان روز دوباره تأکید می‌کنند: «بسیاری از حقوقدانان و هم‌نهاد‌های نظارتی درون و بیرون دولت اظهار نظر رسمی کرده‌اند که در آن پرونده، جرمی اتفاق نیفتاده است» (ایرنا). نظر دولت بر این است که این تخلف است و نه جرم». این ماجرا ادامه داشت تا اینکه آقای خاندوزی، وزیر اقتصاد نیز چند ماه بعد این موضوع را «تخلف» دانست: «شرکت جای دیش بابت ارزی که برای واردات چسای دریافت کرده بود، پولش را پرداخته و اموال مردم به جایی نرفته است... اما برای جلوگیری از همین حد از تخلف هم که رخ داد از فروردین امسال با ایجاد سامانه‌ای قرار شد، هر شرکتی می‌خواهد تخصیص ارز بگیرد، در سامانه ثبت شود تا معلوم شود سال گذشته و دو سال قبل چقدر دریافت کرده است». بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که دولت اساساً فساد را نمی‌خواسته بپذیرد و اگر قوه قضائیه افشا نمی‌کرد، دولت تمایلی به افشای آن نداشت.



دیروز برخی از رسانه‌های نزدیک به دولت نوشته بودند که فساد جای دیش ابتدا در دولت کشف شد. با این حال مروری بر مواضع سخنگوی دولت از ابتدای برکناری ساداتی نژاد، وزیر سابق کشاورزی نشان‌دهنده این است که دولت نتوانست تا ساداتی نژاد حمایت می‌کرده، بلکه حتی بعد از برکناری وی، اعلام کردند که با وی توافق کردند تا با دولت همکاری کند. این ماجرا را از ابتدا دنبال می‌کنیم. سخنگوی دولت در ابتدای سال در تلویزیون از تغییر وزیر کشاورزی خبر داد: «سال گذشته با توجه به شرایط جهانی در حوزه امنیت غذایی و مشکلاتی که در سطح جهان رخ داد، الحمدلله با مدیریت آقای ساداتی نژاد، وزیر جهاد کشاورزی کشور از ناحیه دچار مشکل نشد اما با توجه به تورم جهانی و افزایش قیمت کالاها در جهان، تصمیم بر این شد که در این حوزه نیز جابه‌جایی صورت گیرد». ملاحظه می‌کنید که خبری از اعلام کشف فساد نیست. وی همچنین در ۱۴۰۲/۰۱/۲۲ در توییتی نوشت: «از زحمات آقایان دکتر میرکاظمی و ساداتی نژاد که به‌مرغم شرایط جنگ اقتصادی، شبانه‌روزی برای بهبود شرایط تلاش کردند، سپاسگزارم. برای ایشان در مسئولیت‌های آتی آرزوی توفیق روزافزون دارم». همچنان خبری از اعلام فساد و جای دیش نیست». ایشان در ۳۰ فروردین ۱۴۰۲ نیز خبر داد: «آقای ساداتی نژاد استعفا دادند و استعفای ایشان پذیرفته شد». یعنی برکنار نشد و همچنان فساد در کار نیست. در همین روز نیز درباره شایعه بازداشت ساداتی نژاد از او دفاع کرد و گفت: «آن چیزهایی که گفته می‌شود شایعه است، صحت ندارد و نباید بدان توجه کرد» و در ادامه حتی خبر داد: «دولت اکنون از کمک‌های ایشان استفاده می‌کند و در آینده نیز همکاری‌هایی خواهیم داشت» (تسنیم) و البته از یک توافق برای همکاری در آینده خبر داد: «توافقی هم در این زمینه صورت گرفته است» (ایسنا). بدین ترتیب می‌بینید که همچنان از فساد خبری نیست بلکه بنابر توافقی، قرار بوده از

دیدگاه

آراستگی رفتار امنیتی ایران

یادداشت علی لاریجانی
که در وب‌گاه اینترنتی المیادین منتشر شد



زمانی آقای کسینجر در در نیویورک دیدم. او به من گفت: «اگر ما خواهیم با شما رابطه استراتژیک برقرار کنیم، شما آماده‌اید؟» من گفتم: «ما اینک رابطه‌ای نداریم؛ شما می‌گویید رابطه استراتژیک؟ چرا این سوال را می‌پرسید؟» گفتم: «چون بعد از جنگ جهانی ما خودمان روی نقشه جای کشورها را مشخص کردیم، جز دو کشور: ایران و مصر. شما بودید، تمدن داشتید و ادامه دارید. بقیه را ما خودمان درست کردیم لذا چاره‌ای نداریم با این دو کشور رابطه‌ای ایجاد کنیم». ایران در شرایط فعلی در یک موقعیت بسیار مهمی است. نه فقط ایران که شرایط منطقه همین‌طور است. برای فهم حوادث اخیر فلسطین و آنچه از همراه تا به امروز اتفاق افتاده و ادامه دارد باید از اتفاقات جزئی فاصله بگیریم و از موضع وسیع‌تری شرایط را نگاه کنیم. باید اتفاقات را به‌طور یک زنجیره به هم پیوسته بنگریم. ما در آستانه یک تحول بزرگ منطقه‌ای قرار داریم. این شرایط یک فرصت‌هایی برای ایران به همراه دارد.

نکته دیگر نیز حضور نیروهای مقاومت در منطقه است. این نیروها به عنوان یک واقعیت مهم در منطقه حضور دارند و نمی‌شود، کشورهای منطقه اینها را نادیده بگیرند. یعنی‌ها فقیرند اما شجاعت لازم برای تحول را دارند. اینها نشان دادند قادر هستند که ائتلاف‌های کاغذی را باطل کنند و جلوی کشتی‌های آمریکایی و اسرائیلی ایستادند.

وضع فعلی را با گذشته مقایسه کنید. این وضعیت بحران وجودی برای اسرائیل علاج‌پذیر نیست. حال به یک محلل نیاز است و غربی‌ها می‌دانند که این گره به دست کشورهای منطقه حل می‌شود. بعید است که کشورهای منطقه این‌قدر بی‌هوش باشند که خود را به یک خر لنگ ببندند؛ لذا این هم شدنی نیست؛ بنابراین سرازیری اسرائیل یک بعد داخلی دارد و یک بعد خارجی. اکنون تحول آتی منطقه نیز به همین موضوع مربوط است. اگر شما مهر ماه سال ۱۴۰۲ را با امروز مقایسه کنید، سمت‌وسوی تحولات محسوس می‌شود و این یک موضوع مهم است. اینجا یک آراستگی در رفتار امنیتی ایران را شاهدیم. ایران و مسئولان ایران هم شرایط کشور و هم امنیت ملی ایران را حفظ کردند. این فرصتی است که باید از این شرایط صیانت و آن را پایدار کرد.

@saazandeginews
saazandeginews
www.saazandegi.ir

